



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



اعرف الحق تعرف امله

۳

سلسله پژوهش های اعتقادی

خواستگاری ساختگی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی المجلد ۳
۸	مشخصات کتاب
۸	سرآغاز ... ص: ۹
۹	پیش گفتار ... ص: ۱۵
۱۰	بخش یکم: حدیث خواستگاری در صحاح ... ص: ۲۱
۱۰	حدیث خواستگاری و مصادر آن ... ص: ۲۱
۱۱	روایت بخاری ... ص: ۲۲
۱۲	روایت مسلم ... ص: ۲۶
۱۳	روایت ترمذی ... ص: ۲۷
۱۳	روایت ابن ماجه ... ص: ۲۸
۱۴	روایت ابوداود ... ص: ۲۹
۱۴	روایت حاکم نیشابوری ... ص: ۳۰
۱۵	روایت ابن ابی شیبیه ... ص: ۳۲
۱۶	روایت احمد بن حنبل ... ص: ۳۳
۱۷	بخش دوم حدیث خواستگاری در مستندها و معجم های متاخر ... ص: ۴۱
۱۷	روایت های مختلف از حدیث خواستگاری ... ص: ۴۱
۱۷	روایت هیشمی ... ص: ۴۱
۱۸	روایت ابن حجر عسقلانی ... ص: ۴۲
۱۸	روایت متقی هندی ... ص: ۴۳
۱۹	بخس سوم نگاهی به اسناد حدیث خواستگاری ... ص: ۴۹
۱۹	طرق گوناگون حدیث خواستگاری ... ص: ۴۹
۱۹	اشاره

۲۰	این عباس ... ص: ۵۰
۲۰	علی بن الحسین علیهما السلام ... ص: ۵۱
۲۱	عبدالله بن زبیر ... ص: ۵۲
۲۱	عزوة بن زبیر ... ص: ۵۳
۲۲	محمد بن علی ... ص: ۵۶
۲۳	سوید بن غفله ... ص: ۵۸
۲۴	عامر شعبی ... ص: ۵۹
۲۵	ابن ابی ملیکه ... ص: ۶۲
۲۵	مردی از مکه ... ص: ۶۳
۲۶	بخش چهارم سخنی در مورد روایت مسور ... ص: ۶۹
۲۶	بررسی روایت مشور ... ص: ۶۹
۲۶	اشاره
۲۸	ابن ابی ملیکه ... ص: ۷۲
۲۸	زهری ... ص: ۷۳
۳۲	مشور بن مخرمه ... ص: ۸۳
۳۳	بخش پنجم بررسی متن حدیث و مدلول آن ... ص: ۸۷
۳۳	اندیشه‌ای در متن حدیث و مدلول آن ... ص: ۸۷
۳۳	اشاره
۳۳	تأملی در متن حدیث مشور بن مخرمه ... ص: ۸۸
۳۶	نگرشی به عبارتهای متن حدیث ... ص: ۹۶
۳۸	بررسی مدلول حدیث ... ص: ۱۰۱
۴۴	نتیجه بررسی‌ها ... ص: ۱۱۶
۴۶	دو نکته قابل توجه ... ص: ۱۱۹
۴۹	بخش پایانی ... ص: ۱۲۹

جعل حدیثی دیگر ... ص: ۱۲۹----- ۴۹

اشاره----- ۴۹

سخن پایانی ... ص: ۱۳۱----- ۵۰

کتاب نامه ... ص: ۱۳۵----- ۵۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان----- ۵۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی المجلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -
 عنوان قرارداد: خطبه علی علیه السلام ابنه ابی جهل. فارسی
 عنوان و نام پدید آور: خواستگاری ساختگی: بررسی و نقد داستان خواستگاری علی علیه السلام از دختر ابوجهل/علی حسینی میلانی؛
 ترجمه ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.
 مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص. مصور(رنگی).
 فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲
 شابک: ۱۳۰۰۰ ریال ۶۰-۰۰-۲۵۰۱-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۹ - ۱۴۴
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- زنان.
 موضوع: زنان در اسلام.
 شناسه افزوده: مرکز حقایق اسلامی
 رده بندی کنگره: BP۳۷/۸۲/ح ۵ خ ۶۰۴۱ ۱۳۸۶
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۶۹۸۶

سرآغاز ... ص: ۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.
 دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.
 ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای متان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.
 در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰
 پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.
 دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرّزبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پر فروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیاء آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۵

سنت نبوی و اخبار زندگانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب آن حضرت و رویدادهای صدر اسلام که در کتاب‌های حدیثی، تاریخی و سیره و سرگذشت نگاری منعکس شده، به جهت اهمیت و تأثیر به‌سزایی که در حوزه عقیدتی و علمی دارند نیازمند پژوهش، پیرایش و بررسی عمیق و دقیق هستند که البته باید دور از غرض‌ورزی‌ها، تعصب‌ها، هواخواهی‌ها و گرایش‌های گوناگون باشد، و این نخستین گامی است که اقدام به آن در راه خدمت به میراث اسلامی ما و احیا و نشر آن، لازم و ضروری است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۶

اینک دوران تعصبات کور سپری شده، چشم‌ها گشوده شده، اندیشه‌ها روشن گردیده و امکانات اطلاع رسانی فراوان شده است، و

در همه زمینه‌ها کتاب‌های بسیاری نیز چاپ و منتشر می‌شوند؛ از این رو، نباید در این اقدام ضروری، سستی و کوتاهی کنیم، و یا سنگینی بار پرداختن به این امر مهم را به دوش دیگران بیندازیم. به عنوان نمونه، ما نباید به درستی همه مطالبی که در کتاب‌های مختلف- به خصوص در کتاب‌های پیشینیان- آمده است، اذعان کنیم، مگر آن که برای نقد و بررسی آن‌ها به اندازه لازم تلاش نماییم.

محدثان، تمام آنچه را که روایت کرده‌اند و شنیده‌اند در کتاب‌های خود نیاورده‌اند؛ بلکه در مصنفات، صحاح، سنن، مسانید و معاجم خود مطالبی را که با کوشش به ثبوت آن‌ها پی برده‌اند، پس از تنقیح و تصحیح به رشته تحریر درآورده‌اند. ولی این امر ما را از نقد و بررسی احادیث آن‌ها بی‌نیاز نمی‌سازد و آگاهی از تحقیقات آنان عذر قابل قبولی برای عدم نقد و بررسی مجدد نیست؛ مخصوصاً زمانی که پیرو و مقلد اندیشه‌ها و نظرات آن‌ها نباشیم...

داستان خواستگاری امیر مؤمنان علی علیه السلام از دختر ابوجهل، در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه وآله و در حالی که زهرای طاهره سلام الله علیها همسر آن حضرت بود، از آشکارترین شواهد و کامل‌ترین مصادیق بر سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۷

صحت گفته‌های ماست.

ما در بررسی این موضوع به روایت‌هایی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها مربوط می‌شود- در کلیه منابع روایی که در اختیار داشتیم- مراجعه کردیم. سندها و عبارات مختلف متن آن‌ها را بررسی نمودیم و در شرح حال راویان آن، در پرتو گفتار علمای بزرگ رجال‌شناس اندیشیدیم.

سپس مدلول این حدیث را بر اساس قواعدی که در کتاب‌های علوم حدیثی مقرر شده، و با استناد به آنچه که محققان و شارحان اخبار و روایات گفته‌اند، به دقت نگرینیم. نتیجه این بود که این حدیث را روایتی جعلی، داستانی و ساختگی، و حکایتی ساخته و پرداخته یافتیم؛ و در پس این دسیسه، دیدم که در درجه نخست جسارت کردن و طعنه زدن به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، سپس به علی مرتضی علیه السلام و صدیقه کبری سلام الله علیها مورد نظر بوده است.

این حدیث، حدیثی است که همه محدثان اهل سنت بر روایت آن در کتاب‌هایشان اتفاق کرده‌اند؛ ولی بنا بر تحقیقات انجام شده، لازم است که از سنت نبوی بیرون رانده شود!

آنچه بیان شد، نتیجه تحقیق و پژوهشی است که در مورد این سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۸

حدیث انجام شده است، و البته طبق بررسی‌ها، تا کنون درباره این موضوع به گونه‌ای که در این مجموعه بحث و بررسی کرده‌ایم، تحقیقی انجام نشده است. توفیقی جز از جانب خدای مهربان نیست و بر او اعتماد و توکل می‌نماییم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۱

بخش یکم: حدیث خواستگاری در صحاح ... ص: ۲۱

حدیث خواستگاری و مصادر آن ... ص: ۲۱

همان گونه که پیش‌تر اشاره کردیم، نخستین نکته‌ای که درباره این حدیث، جلب توجه می‌کند، این است که نه تنها محدثان بزرگ اهل سنت، همچون مسلم نیشابوری و بخاری، بلکه تمام نویسندگان صحاح شش‌گانه بر این روایت اتفاق کرده‌اند. همچنین نویسندگان مسندها و سنن از متقدمین و متأخرین نیز- به جز معدودی از آن‌ها- آن را روایت کرده‌اند.

ما در آغاز، روایاتی را بیان می‌کنیم که در معتبرترین و مهم‌ترین کتاب‌های آن‌ها آمده است، کتاب‌هایی که روایات آن‌ها به درستی و صحت معروف شده‌اند. سپس آنچه را که حاکم در المستدرک علی الصحیحین آورده، و آن‌گاه مطالبی را که دیگران روایت کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۲

روایت بخاری ... ص: ۲۲

بخاری این موضوع را به شکل‌های متفاوت در چند جای صحیح روایت کرده است که اینک متن روایات او را از نظر می‌گذرانیم.
۱- در کتاب الخمس چنین آمده است:

سعید بن محمّد جرمی از یعقوب بن ابراهیم روایت کرده که گوید: پدرم از ولید بن کثیر و او از محمّد بن عمرو بن حلحله دؤلی روایت کرد که ابن شهاب زهّری گوید: هنگامی که علی بن الحسین بعد از کشته شدن حسین بن علی رحمه الله علیه از نزد یزید بن معاویه به مدینه آمد، مسوّر بن مخرمه به دیدار او رفت و گفت: آیا درخواستی از من داری که آن را انجام دهم؟ علی بن الحسین می‌گوید: به او گفتم: نه.

مسوّر گفت: آیا شمشیر رسول خدا صلی الله علیه وآله «۱»

را به من می‌دهی؟ من می‌ترسم که این قوم به سبب آن، بر تو مسلط شوند. به خدا سوگند! اگر آن را به من بدهی تا زنده‌ام به دست آن‌ها نخواهد رسید.

(۱)

علی رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۳

مسوّر در ادامه می‌گوید: علی بن ابی طالب، دختر ابوجهل را در زمان فاطمه خواستگاری کرد. من در آن زمان به سنّ بلوغ رسیده بودم، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در این باره بر بالای منبر برای مردم خطبه خواند و فرمود: «فاطمه از من است و من می‌ترسم که او در دینش به فتنه بیفتد».

سپس پیامبر صلی الله علیه وآله از دامادش - که از طایفه بنی عبد شمس بود - یاد کرد و او را به خاطر خوش رفتاریش، ستود و گفت:

«او به هنگام گفت و گو با من راست می‌گفت و به وعده‌ای که می‌داد، وفا می‌کرد. من حلالی را حرام و حرامی را حلال نمی‌کنم، ولی به خدا سوگند! دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا هیچ گاه با هم جمع نمی‌شوند» «۱».

۲- در کتاب النکاح آمده است:

قُتیبّه از لیث از ابن ابی مُلیکه، از مسوّر بن مخرمه روایت می‌کند که گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود:

«خانواده هشام بن مغیره (ابوجهل) از من اجازه خواستند که دخترشان را به ازدواج علی بن ابی طالب درآورند! من اجازه نمی‌دهم،

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۴

اجازه نمی‌دهم، هرگز اجازه نمی‌دهم!! مگر این که پسر ابو طالب بخواهد دختر مرا طلاق دهد و با دختر آن‌ها ازدواج کند، چرا که او پاره تن من است، کسی که او را پریشان سازد، مرا پریشان کرده و کسی که او را بیازارد مرا آزرده است» (۱).

۳- در کتاب المناقب- به هنگام ذکر دامادهای پیامبر، از جمله ابوالعاص بن ربیع- این گونه آمده است:

ابویمان از شعیب، از زُهری نقل می‌کند که گوید: علی بن الحسین برای من از مِسُور بن مخرمه روایت کرد که او گفت: علی، از دختر ابوجهل خواستگاری کرد.

وقتی فاطمه این خبر را شنید، به نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: خاندان تو چنین می‌پندارند که تو به خاطر دخترانت خشمگین نمی‌شوی، اینک علی، دختر ابوجهل را به عقد خود درآورده است (!!) «۲».

مِسُور گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از جا برخاست. من شنیدم در حالی که شهادتین می‌گفت، فرمود:

(۱) صحیح بخاری: ۵/ ۲۰۰۴ شماره ۴۹۳۲.

(۲) یادآوری می‌کنیم که ما در مقابل ترجمه عبارات مندرج در منابع اهل سنت که به تأمل و دقت نظر نیاز دارند، علامت (!!) را نهاده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۵

«اما بعد، من دخترم را به ازدواج ابوالعاص بن ربیع درآوردم، او به هنگام گفت و گو با من، مرا تصدیق می‌نمود. به راستی فاطمه، پاره تن من است. من دوست ندارم به او بدی برسد. به خدا سوگند! نباید دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا در نزد یک مرد جمع شوند».

پس از آن، علی خواستگاری او را رها کرد.

محمد بن عمرو حلحله بعد از نقل این روایت می‌افزاید:

ابن شهاب از علی از مِسُور نقل می‌کند که گوید: از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که درباره دامادش- از خاندان عبد شمس- سخن می‌گفت که او را به سبب خوش رفتاریش ستایش کرد و از او به نیکی یاد نمود و فرمود: «او با من سخن می‌گفت، مرا تصدیق می‌کرد و به من وعده می‌داد و به آن وفا می‌کرد» (۱).

۴- در باب «شقاق و جدایی» از کتاب طلاق آمده است:

ابوالولید از لیث از ابن ابی مُلَیکه از مِسُور بن مخرمه زُهری نقل می‌کند که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که می‌فرمود:

«خانواده مغیره (ابوجهل) از من اجازه خواستند که علی، دخترشان را به ازدواج خود درآورد و من اجازه نمی‌دهم» (۲).

(۱) صحیح بخاری: ۳/ ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ شماره ۳۵۲۳.

(۲) همان: ۳/ ۲۰۲۲ شماره ۴۹۷۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۶

روایت مُسلم ... ص: ۲۶

مُسلم نیشابوری نیز در مورد این داستان روایاتی نقل کرده است.

وی در صحیح خود در بخش فضایل فاطمه سلام اللهُ علیها چنین می‌گوید:

۱- احمد بن عبدالله بن یونس و قتیبه بن سعید از لیث بن سعد روایت کرده‌اند که ابن یونس می‌گفت: عبدالله بن عبدالله بن ابی مُلیکه قرشی تیمی به نقل از مِسُور بن مخرمه می‌گفت که از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ شنیده است که حضرتش بر فراز منبر می‌فرمود:

«بدانید! خانواده هُشام بن مغیره از من اجازه خواستند که دخترشان را شوهر دهند...»

۲- احمد بن حنبل به من نقل کرد که یعقوب بن ابراهیم به نقل از پدرش از ولید بن کثیر از محمّد بن عمرو بن حلحله دؤلی روایت کرده که ابن شهاب از علی بن الحسین نقل کرده که هنگامی که آنها وارد مدینه شدند...

۳- عبدالله بن عبدالرحمان دارمی از ابوالیمان نقل کرد که شعیب از زُهْرٰی به نقل از علی بن الحسین روایت کرده که مِسُور بن مخرمه به او خبر داد که علی بن ابی طالب از ... خواستگاری کرد...

۴- ابو معن رقاشی برای من نقل کرد که وهب- یعنی ابن جریر- به نقل از پدرش گفت: از نعمان- یعنی ابن راشد- شنیدم که نظیر همین

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۷

روایت را با همین اسناد از زُهْرٰی نقل کرد «۱».

روایت ترمذی ... ص: ۲۷

ترمذی نیز یکی از راویان این داستان است. او در صحیح خود در کتاب مناقب در بخش فضایل فاطمه علیها السلام در این زمینه دو روایت نقل کرده و گفته است:

۱- قُتیبَه از لیث از ابن ابی مُلیکه از مِسُور بن مخرمه نقل کرده است: از پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود:

«خانواده هُشام بن مغیره از من اجازه خواستند که دخترشان را به ازدواج ... در آورند...»

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث، حدیثی صحیح و حسن است.

البته این روایت را عمرو بن دینار نیز از ابن ابی مُلیکه از مِسُور بن مخرمه روایت کرده است.

۲- احمد بن مَنِیع از اسماعیل بن عَلَیَّه از اَیُّوب از ابن ابی مُلیکه از عبدالله بن زبیر روایت کرده که گوید: علی، در مورد دختر ابوجهل سخن گفت...

ابوعیسی می‌گوید: این، حدیثی صحیح و حسن است.

(۱) صحیح مُسلم: ۵۳-۵۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۸

اَیُّوب نیز به نقل از ابن ابی مُلیکه از زبیر همین گونه نقل کرده است. افراد دیگری نیز از ابن ابی مُلیکه و مِسُور بن مخرمه روایت کرده‌اند، و احتمال دارد که ابن ابی مُلیکه از هر دو نفر روایت کرده باشد «۱».

روایت ابن ماجه ... ص: ۲۸

یکی دیگر از ناقلان این داستان، ابن ماجه است. او در سنن خود در کتاب نکاح باب «غیرت» می‌نویسد:

۱- عیسی بن حَمَاد مصری می‌گوید: لیث بن سعد از عبدالله بن ابی مُلیکه از مِسُور بن مخرمه نقل می‌کند: از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود:

«خانواده هُشام بن مغیره از من اجازه خواستند تا دخترشان را به ازدواج علی در آورند...».

۲- محمد بن یحیی می گوید: ابو یمان از شعیب از زُهری نقل می کند که علی بن الحسین به او گفته بود: مِسُور بن مخرمه به او خبر داده است که علی بن ابی طالب از ... خواستگاری کرد ... پس از آن،

(۱) سنن ترمذی: ۴۶۴/۵ و ۴۶۵ شماره‌های ۳۸۹۳ و ۳۸۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۲۹
علی از خواستگاری دست کشید «۱».

روایت ابوداود ... ص: ۲۹

ابوداود نیز با سه سند این داستان را بازگو کرده و در کتاب نکاح می گوید:

۱- احمد بن محمد بن حنبل از یعقوب بن ابراهیم بن سعد از پدرش از ولید بن کثیر از محمد بن عمرو بن حلحله دؤلی روایت کرده است که ابن شهاب برای او نقل کرد که علی بن الحسین گفته است:
«هنگامی که وارد مدینه شدیم...».

۲- همین روایت را محمد بن یحیی بن فارس از عبدالرزاق از معمر از زُهری از عروه، از ایوب از ابن ابی مُلیکه نقل کرده است. وی در ادامه می گوید: سپس علی درباره این ازدواج سکوت کرد.

۳- احمد بن یونس و قتیبه بن سعید معنی «۲» روایت کرده‌اند که احمد گفت: لیث از عبدالله بن عبیدالله بن ابی مُلیکه قرشی تیمی نقل کرده که مِسُور بن مخرمه گفته است: از رسول خدا صلی الله علیه وآله بر فراز منبر شنیدم که می فرمود:

(۱) سنن ابن ماجه: ۴۱۲/۳ و ۴۱۳ شماره‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹.

(۲) در مصدر همین گونه آمده، ولی درست آن، ثقفی است.
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۰

«خانواده هُشام بن مغیره از من اجازه خواستند تا دخترشان را به ازدواج علی بن ابی طالب در آورند. من اجازه نمی دهم، هرگز اجازه نمی دهم، مگر این که پسر ابوطالب بخواهد دختر مرا طلاق دهد و با دختر آنها ازدواج کند؛ چرا که دختر من، پاره تن من است. هر که او را پریشان کند، مرا پریشان کرده و هر که او را بیازارد، مرا آزرده است» «۱».

روایت حاکم نیشابوری ... ص: ۳۰

حاکم نیشابوری نیز در نقل این داستان نقش دارد، او از سه طریق این روایت را نقل می کند و می گوید:

۱- احمد بن جعفر قطیعی از عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش از یحیی بن زکریا بن ابی زائده از پدرش از شُعبی و او از سوید بن غفله نقل می کند: علی، دختر ابوجهل را از عمویش حارث بن هُشام خواستگاری کرد، آن گاه درباره این موضوع با پیامبر صلی الله علیه وآله مشورت کرد.

پیامبر صلی الله علیه وآله به او فرمود: «آیا از حَسَب و شرافت خانوادگی او می پرسی؟».

علی عرض کرد: از حَسَب و شرافت خانوادگی او آگاهم، ولی آیا

(۱) سنن ابی داوود: ۲/ ۹۱ و ۹۲ شماره‌های ۲۰۶۹ و ۲۰۷۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۱

اجازه این کار را به من می‌دهی؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «نه، فاطمه پاره‌ای از گوشت من است و گمان می‌کنم که او از این امر ناراحت می‌شود و بی‌تابی خواهد کرد».

علی عرضه داشت: من کاری که او را ناراحت کند، انجام نخواهم داد.

حاکم پس از نقل این روایت می‌گوید: این حدیث صحیح است به شرط این که شیخین نیز آن را نقل کرده باشند، در حالی که آن‌ها به این صورت نیاورده‌اند.

۲- ابوالعباس محمد بن احمد محبوبی از سعید بن مسعود از یزید بن هارون؛ و احمد بن جعفر قطعی از عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش از یزید بن هارون از اسماعیل بن ابی خالد از ابی حنظله از مردی از اهالی مکه «۱» نقل کرده‌اند: علی، از دختر ابوجهل خواستگاری کرد. خانواده او به علی گفتند: او را بر سر دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله به ازدواج تو در نمی‌آوریم.

این خبر به رسول خدا صلی الله علیه وآله رسید. حضرتش فرمود:

(۱) در این مورد با نکته لطیفی آشنا خواهید شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۲

«فاطمه پاره‌ای از گوشت من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است».

۳- بکر بن محمد صیرفی از موسی بن سهل بن کثیر از اسماعیل بن علقمه از ایوب سختیانی از ابن ابی مُلیکه از عبدالله بن زبیر نقل می‌کند:

علی، از دختر ابوجهل سخن می‌گفت.

این خبر به رسول خدا صلی الله علیه وآله رسید و حضرتش فرمود:

«فاطمه پاره تن من است. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است».

حاکم در ذیل این روایت می‌نویسد: این حدیث، مطابق شرط شیخین صحیح است، ولی آن را نقل نکرده‌اند «۱».

روایت ابن ابی شیبہ ... ص: ۳۲

ابوبکر بن ابی شیبہ نیز با یک سند، این داستان را در المصنّف خود آورده است. وی چنین روایت می‌کند:

محمد بن بُشر از زکریّا از عامر نقل می‌کند که گوید: علی، دختر ابوجهل را از عمویش حارث بن مغیره خواستگاری کرد، آن‌گاه در این

(۱) المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۷۳ شماره‌های ۷۴۴۹-۴۷۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۳

مورد از رسول خدا صلی الله علیه وآله اجازه خواست.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «آیا از حَسَب و شرافت خانوادگی او می‌پرسی؟».

علی عرضه داشت: از حَسَب و شرافت خانوادگی او آگاهم، ولی آیا اجازه این کار را به من می‌دهی؟
فرمود: «نه! فاطمه پاره تن من است و دوست ندارم که اظهار ناراحتی کند».
علی گفت: من هم کاری نمی‌کنم که او ناراحت شود «۱».

روایت احمد بن حنبل ... ص: ۳۳

احمد بن حنبل، امام حنبلی‌ها بیش از دیگران به این داستان پرداخته و آن را در دو کتاب مسند و فضائل الصحابه آورده است. متن روایات او این گونه است:

- ۱- عبدالله از پدرش از وهب بن جریر از پدر او نقل می‌کند که از نعمان شنیدم که از زُهری از علی بن الحسین از مِسُور بن مخرمه نقل می‌کرد که می‌گفت: علی از ... خواستگاری کرد...
- ۲- عبدالله از پدرش از ابو یمان از شعیب از زُهری از علی بن

(۱) المصنف: ۷/ ۵۲۷ شماره ۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۴

الحسین نقل کرده که مِسُور بن مخرمه به او خبر داده بود که علی بن ابی طالب از ... خواستگاری کرد...

- ۳- عبدالله از پدرش از یعقوب- پسر ابراهیم- از پدرش از ولید بن کثیر از محمّد بن عمرو از ابن حلقه دؤلی «۱» از ابن شهاب نقل می‌کند که علی بن الحسین به او گفت: زمانی که آن‌ها بعد از کشته شدن حسین بن علی از نزد یزید بن معاویه به مدینه آمدند، مِسُور بن مخرمه به دیدن او آمد و گفت علی بن ابی طالب از ... خواستگاری کرد...
- ۴- عبدالله از پدرش از هاشم بن قاسم از لیث- پسر سعد- نقل می‌کند که عبدالله بن عبیدالله بن ابی مُلیکه از مِسُور بن مخرمه نقل کرده است:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَفَازٍ مَنبِرٍ بُوَد، شَنِیدِمُ کَه حَضْرَتَش مِی‌فَرَمُود:

«خانواده هُشام بن مغیره از من اجازه خواستند تا دخترشان را به ازدواج علی بن ابی طالب درآورند» «... ۲».

- ۵- عبدالله از پدرش از اسماعیل بن ابراهیم از ایوب از عبدالله بن

(۱) احمد بن حنبل در این جا محمّد بن عمرو را غیر از ابن حلقه دؤلی دانسته است.

(۲) مسند احمد: ۵/ ۴۲۷- ۴۳۰ شماره ۱۸۴۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۵

ابی مُلیکه از عبدالله بن زبیر نقل می‌کند:

علی از دختر ابوجهل یادی کرد.

این مطلب به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسِید و حَضْرَتَش فَرَمُود:

«فاطمه پاره تن من است، آنچه او را بیازارد، مرا آزرده است و آنچه او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است» «۱».

همچنین در فصل «فضایل فاطمه دختر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» از کتاب مناقب الصحابه چند گونه روایت آمده است:

- ۶- عبدالله از پدرش از یحیی بن زکریّا از پدرش از شَعْبِی نقل می‌کند:

علی علیه السلام از ... خواستگاری کرد...

- ۷- عبدالله از پدرش از یزید از اسماعیل از ابی حنظله روایت می‌کند:
مردی از مردم مکه به او خبر داد که علی از ... خواستگاری کرد...
۸- عبدالله از پدرش از سفیان از عمرو از محمد بن علی نقل می‌کند:

(۱) مسند احمد: ۴ / ۵۷۱ شماره ۱۵۶۹۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۶

علی خواست با دختر ابوجهل ازدواج کند. وقتی این خبر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید، حضرتش بر فراز منبر چنین فرمود:
«علی می‌خواهد با عوراء، دختر ابوجهل ازدواج کند. او حق ندارد دختر دشمن خدا و دختر رسول خدا را در یک جا جمع کند؛
فاطمه پاره گوشت من است».

۹- عبدالله از پدرش از اسماعیل بن ابراهیم از ایوب از عبدالله بن ابی مُلیکه از عبدالله بن زبیر نقل می‌کند:

علی در مورد دختر ابوجهل سخن می‌گفت، این مطلب به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، حضرتش فرمود:
«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا، وَيَنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا»

«فاطمه پاره تن من است، آنچه او را بیازارد مرا آزرده است و آنچه او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است».

۱۰- عبدالله از پدرش از هاشم بن قاسم از لیث از عبدالله بن عبیدالله بن ابی مُلیکه از مسور بن مخرمه نقل می‌کند:
از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر شنیدم که می‌فرمود:

«خانواده هشام بن مغیره از من اجازه خواستند تا دخترشان را به ازدواج علی بن ابی طالب در آورند»....

۱۱- عبدالله از پدرش از ابو یمان از شعیب از زُهری نقل می‌کند:

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۳۷

علی بن الحسین به من خبر داد که مسور بن مخرمه به او گفته بود که علی بن ابی طالب از دختر ابوجهل خواستگاری کرد، در
حالی که فاطمه همسر او بود...

وی در ادامه گفت: سپس علی از این خواستگاری دست کشید.

۱۲- عبدالله از پدرش از عبدالرزاق از معمر از زُهری از عروه از ایوب از ابن ابی مُلیکه نقل می‌کند:

علی بن ابی طالب از دختر ابوجهل خواستگاری کرد و وعده ازدواج گذاشته شد ... سپس علی از این ازدواج دست کشید و آن را
رها کرد.

۱۳- عبدالله از پدرش از وهب بن جریر روایت می‌کند که: پدرم گفت: از نعمان شنیدم که از زُهری از علی بن الحسین از مسور بن
مخرمه نقل می‌کرد که علی از ... خواستگاری کرد «... ۱».

(۱) فضایل الصحابه: ۲ / ۷۵۴-۷۵۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۱

بخش دوم حدیث خواستگاری در مستندها و معجم های متأخر ... ص: ۴۱

روایت های مختلف از حدیث خواستگاری ... ص: ۴۱

روایت هیشمی ... ص: ۴۱

همیشی یکی از علمای متأخر اهل سنت، در کتاب مجمع الزوائد روایت می‌کند که ابن عباس می‌گوید: علی بن ابی طالب از دختر ابوجهل خواستگاری کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر قصد ازدواج با او را داری پس دختر ما را به ما برگردان».

حدیث خالد حدّاء در این جا پایان می‌یابد؛ اما در این حدیث اضافاتی هست که می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند! دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا در زوجیت یک فرد جمع نمی‌شوند».

این روایت را طبرانی در هر سه معجم خود آورده و در معجم کبیر

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۲

خود آن را به اختصار نقل کرده است. بزار نیز این روایت را به اختصار نقل کرده است.

همیشی در ذیل این روایت می‌گوید:

یکی از راویان آن، عبیدالله بن تمام است که او در نقل حدیث ضعیف است «۱».

روایت ابن حجر عسقلانی ... ص: ۴۲

ابن حجر عسقلانی در کتاب المطالب العالیه به نقل این داستان می‌پردازد و می‌گوید که علی بن الحسین گفت: علی بن ابی طالب می‌خواست از دختر ابوجهل خواستگاری کند.

عده‌ای گفتند: فکر نمی‌کنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار ناراحت شود؟

عده‌ای دیگر گفتند: او هم زنی مانند زن‌های دیگر است.

گروه دیگری گفتند: البته پیامبر صلی الله علیه و آله از این کار ناراحت خواهد شد، که علی بن ابی طالب دختر دشمن خدا را بر سر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله به ازدواج خود درمی‌آورد.

(۱) مجمع الزوائد: ۳۲۷/۹ شماره ۱۵۲۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۳

در مورد این مطالب به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دادند.

حضرتش پس از حمد و ثنای خدا فرمود:

«اینک چگونه برخی می‌پندارند که من به خاطر فاطمه ناراحت نمی‌شوم، در حالی که فاطمه پاره تن من است. کسی حق ندارد که دختر دشمن خدا را بر سر دختر رسول خدا به ازدواج خود درآورد».

عسقلانی بعد از نقل این روایت می‌گوید: این حدیث مرسل است. اصل حدیث - که در صحیح آمده - به روایت مشور است که او برای علی بن الحسین نقل کرده است «۱».

آری، علی بن الحسین علیهما السلام آن را برای زُهری نقل کرده است (!!!).

روایت متقی هندی ... ص: ۴۳

متقی هندی نیز این داستان را به دو سند در کنز العمال نقل کرده است:

۱- شَعْبِيّ گوید: علی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و درباره دختر ابوجهل و خواستگاری او از عمویش حارث بن هشام

پرسید.

(۱) مطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه: ۴/ ۶۷ شماره ۳۹۸۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۴

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله فرمود: در چه مورد از او می‌پرسی؟

آیا از حَسَب و شرافت خانوادگی او می‌پرسی؟

گفت: نه، ولی می‌خواهم با او ازدواج نمایم، آیا این کار را دوست نداری؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «فاطمه پاره تن من است. من دوست ندارم که او غمگین یا خشمگین گردد».

علی گفت: هرگز کاری نمی‌کنم که باعث ناراحتی تو شود.

این روایت از طریق عبدالرزاق بن همام صنعانی نقل شده است.

۲- ابن ابی مُلیکه گوید: علی بن ابی طالب از دختر ابوجهل خواستگاری کرد، تا آنجا که قرار ازدواج هم گذاشته شد.

وقتی این خبر به فاطمه رسید به پدرش گفت: مردم خیال می‌کنند که تو به خاطر دخترانت ناراحت و خشمگین نمی‌شوی. اینک

ابوالحسن از دختر ابوجهل خواستگاری کرده و قرار ازدواج نیز گذاشته شده است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله خطبه‌ای آغاز کرد و حمد و ثنای خدا را- آن چنان که شایسته است- به جای آورد. آن گاه از

ابوالعاص بن ربیع یاد کرد و او را به جهت خوش رفتارش ستود و گفت:

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۵

«فاطمه پاره تن من است. من می‌ترسم که او را به فتنه بیندازند.

به خدا سوگند! دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا تحت اختیار یک فرد قرار نمی‌گیرند».

پس از آن، علی درباره این ازدواج سکوت نمود و آن را رها کرد «۱».

این روایت نیز از طریق عبدالرزاق بن همام صنعانی نقل شده است.

(۱) کنز العمال: ۳/ ۲۹۱ و ۲۹۲ شماره‌های ۳۷۷۳۴ و ۳۷۷۳۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۴۹

بخش سوم نگاهی به اسناد حدیث خواستگاری ... ص: ۴۹**طُرُق گوناگون حدیث خواستگاری ... ص: ۴۹****اشاره**

با توجه به آنچه نقل شد، طُرُق گوناگون روایت این حدیث را از صحاح، مسانید و دیگر منابع روایی ارائه نمودیم، و چنان که

ملاحظه می‌شود، این سندها به ده نفر منتهی می‌شوند:

۱- مِسُور بن مخرمه

۲- عبدالله بن عباس

۳- علی بن الحسین علیهما السلام

۴- عبدالله بن زبیر

۵- عَزْوَةُ بن زبیر

۶- مُحَمَّد بن علی

۷- سَویِد بن غفله

۸- عامر شَعْبِی

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۰

۹- ابن ابی مُلَیکه

۱۰- مردی از مکه

اینک چگونگی و موارد نقل این افراد را به دقت بررسی می‌نماییم.

ابن عباس ... ص: ۵۰

روایت ابن عباس فقط از طریق ابوبکر بزار و طبرانی نقل شده است، همان گونه که در مجمع الزوائد آمده بود. البته همان جا متوجه شدیم که ابوبکر هیشمی بعد از نقل این روایت گفت:

یکی از راویان آن، عبیدالله بن تمام است که او در نقل حدیث ضعیف است.

نگارنده می‌گوید: ابن حجر از همین عبیدالله بن تمام یاد کرده و گفته است که این روایت از روایات منکر اوست.

ابن حجر در ادامه می‌گوید: دارقطنی، ابوحاتم، ابوزرعه و دیگران او را تضعیف کرده‌اند.

ابوحاتم در مورد او می‌گوید: عبیدالله در نقل حدیث قوی نیست، او احادیث منکری را روایت کرده است ...

ساجی او را این گونه توصیف می‌کند: او فرد دروغگویی است، و احادیث منکری را نقل کرده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۱

ابن جبارود و عقیلی این حدیث را نقل کرده و به جای عبیدالله بن تمام، از خالد از عکرمه از ابن عباس روایت کرده‌اند که می‌گوید: علی، از دختر ابوجهل خواستگاری کرد.

پیامبر صلی الله علیه وآله برای او پیغام فرستاد که اگر می‌خواهی ازدواج کنی، دخترمان را به نزد ما بازگردان «۱».

علی بن الحسین علیهما السلام ... ص: ۵۱

ابن حجر عسقلانی این روایت را از طریق علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده است. او پس از نقل روایت می‌گوید: اصل این روایت- که در صحیح آمده- به روایت مشور است که او برای علی بن الحسین روایت کرده است.

در پاورقی چنین آورده است:

«بوصیری می‌گوید: حارث آن را با سندی منقطع و ضعیف- به جهت تضعیف علی بن زید بن جدعان- روایت کرده است و اصل

آن- که در صحیح آمده- روایت مشور است».

گفتنی است که ما در مورد روایت مشور به تفصیل سخن خواهیم گفت.

(۱) لسان المیزان: ۱۱۷/۴.

عبدالله بن زبیر ... ص: ۵۲

ترمذی، احمد بن حنبل، حاکم و ابو نعیم «۱» این داستان را از ایوب سختیانی از ابن ابی مُلیکه از عبدالله بن زبیر نقل کرده‌اند. ترمذی می‌گوید: احتمال دارد که ابن ابی مُلیکه آن را، هم از مسور و هم از عبدالله بن زبیر شنیده باشد. ابن حجر می‌گوید: دارقطنی و دیگران طریق روایت مسور را ترجیح داده‌اند و بدون شک این طریق محکم‌تر است؛ زیرا مسور در این حدیث، داستانی طولانی را نقل کرده که در باب دامادهای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است. آری، امکان دارد که ابن زبیر فقط همین فراز از داستان را شنیده باشد، یا این که آن را از مسور شنیده و به طور مرسل نقل کرده است «۲».

اگر ابن زبیر روایت را از مسور شنیده باشد، ما درباره حدیث او در بحث درباره روایت مسور به تفصیل سخن خواهیم گفت. اما اگر او خودش راوی حدیث باشد، بدین معنا که خودش آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده باشد، این امر غیر ممکن است؛ چرا که او در سال اول هجری

(۱) حلیه الأولیاء: ۲ / ۵۰.

(۲) فتح الباری: ۷ / ۱۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۳

به دنیا آمده و در آن زمان کودکی خردسال بوده است «۱». گذشته از این، موقعیت او در دشمنی با علی و اهل بیت علیهم السلام و بلکه با خود پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار و معلوم است.

او مدت‌ها از بردن نام پیامبر در خطبه‌های نماز جمعه خودداری می‌کرد. وقتی مردم در این مورد بر او خرده گرفتند، در پاسخ گفت: من از بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله روگردان نیستم؛ ولی او خاندان بدی دارد که هر گاه از او یاد می‌کنم، گردن‌هایشان را می‌کشند و من دوست دارم آن‌ها را به زمین بکوبم (!!!).

ناگفته نماند کسی که از عبدالله بن زبیر روایت کرده، مؤذن خاص او ابن ابی مُلیکه است، و شرح حالش در ادامه بیان خواهد شد.

عزوة بن زبیر ... ص: ۵۳

این داستان را ابوداود به سند خود از طریق زُهری از عزوة بن زبیر نقل کرده است. ما روایت او را از طریق دیگری نیافتیم. این روایت، از چند جهت منکر است:

۱- روایت مرسل است، چون عروه در دوران حکومت عمر، در سال ۱۹ به دنیا آمد.

(۱)

به شرح حال او در «الإصابة» و «أسد الغابه» نگاه کنید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۴

۲- عروه از کسانی است که به دشمنی و کینه‌توزی با امیر مؤمنان علی علیه السلام مشهور و معروف است. شاگرد ویژه‌اش (یعنی زُهری) او را به جعل و وضع حدیث برای عیب‌جویی و طعنه زدن بر علی علیه السلام توصیف کرده است.

معمر گوید: زُهری دو روایت از عروه و عایشه در مورد علی داشت. روزی از او درباره آن‌ها پرسیدم.

گفت: با آن‌ها و روایاتشان چه کار داری؟ خدا نسبت به آن‌ها آگاه‌تر است؛ ولی من آن‌ها را در مورد حقوق بنی هاشم متهم

می‌کنم» (۱).

فرا تر این که فرزندش یحیی نیز او را به بدگویی و دشنام دادن به علی علیه السلام متهم می‌سازد. این ویژگی حساسی است که از مصادیق این حدیث صحیح - که در آن اختلافی نیست - قرار می‌گیرد که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» (۲)

«تو را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن و دشمن نمی‌دارد مگر منافق».

(۱) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/۶۴.

(۲) البدايه والنهائيه: ۷/۳۹۱، تاريخ الاسلام: ۳/۶۳۴، الوافي بالوفيات: ۲۱/۱۷۹، الكامل: ۴/۲۲۶، تاريخ بغداد: ۸/۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۵

یحیی بن عروه همواره می‌گفت: هر گاه پدرم به یاد علی می‌افتاد به او دشنام می‌داد (۱).

یادآوری می‌شود که در شرح حال زُهری مطالب بیشتری در این زمینه بیان خواهد شد و همه آنها همین مطلب را تأکید می‌کنند که دشمنی او با حضرت علی علیه السلام سابقه داشته است تا جایی که او، با وجود کم بودن سنش، به همراه عده‌ای از یاران خود، در جنگ جمل شرکت کرد و در برابر آن حضرت قرار گرفت (۲).

عروه، حدیثی در فضیلت زینب، دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جعل کرده که در آن چنین آمده است:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می‌گفت: «زینب، بهترین دختران من است» (۳).

هنگامی که این حدیث ساختگی به علی بن الحسین علیهما السلام رسید، به نزد او رفت و فرمود: این چه حدیثی است که از قول تو شنیده‌ام، تو آن را نقل می‌کنی تا از مقام و منزلت فاطمه بکاهی؟! عروه گفت: دیگر آن را نقل نمی‌کنم.

(۱) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/۱۰۲.

(۲) تهذيب التهذيب: ۷/۱۶۱.

(۳) المعجم الاوسط: ۵/۸۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۶

هیشمی می‌گوید: راویان این حدیث، راویان حدیث‌های صحیح هستند (۱).

بنا بر این، روایت کسی که حال و وضعش این گونه است در موضوعی با این اهمیت پذیرفته نمی‌شود. البته این نکته بر کسانی که به نقد حدیث و رجال آگاه هستند، معلوم و آشکار است.

گذشته از این‌ها، کسی که این روایت را از ابن زبیر نقل کرده، همان زُهری است که به تفصیل در مورد او سخن خواهیم گفت.

محمد بن علی ... ص: ۵۶

محمد بن علی، همان محمد بن حنفیه است که روایت او را احمد بن حنبل از طریق سُفیان بن عُیینَه از عمرو بن دینار نقل کرده است. این سند حدیث را فقط در کتاب فضایل احمد بن حنبل یافتیم، و از بزرگان حدیث عامه فرد دیگری آن را روایت نکرده است و خود او نیز در مسندش آن را نیاورده است. محقق کتاب فضایل در پاورقی آن گفته است:

این حدیث مرسل است و محمد بن حنفیه آن را به کسی اسناد نداده است.

(۱) مجمع الزوائد: ۳۴۲ / ۹ شماره ۱۵۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۷

مرسل بودن این حدیث به این جهت است که نوشته‌اند: اساساً عمرو بن دینار از محمد بن حنفیه روایتی نشنیده است. از این رو، نام محمد در میان کسانی که عمرو از آن‌ها روایت کرده، نیامده است، بلکه تصریح شده است که او این حدیث را از کسانی که در زمره مشایخ او به شمار می‌آیند نشنیده است. به عنوان نمونه: ابن عباس، نخستین کسی است که ابن حجر نام او را در ردیف کسانی که عمرو بن دینار از آن‌ها روایت کرده، آورده است.

آن‌گاه ابن حجر از ترمذی نقل می‌کند که می‌گوید بخاری گفت:

عمرو بن دینار حدیث عمر در مورد گریه بر مردگان را از ابن عباس نشنیده است.

ابن حجر می‌گوید: به نظر من، مقتضای این سخن این است که عمرو بن دینار، تدلیس گر باشد «۱».

آن‌چه بیان شد از جهت ارسال روایت به محمد بن حنفیه بود.

گذشته از این، محمد بن علی علیه السلام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله نبود؛ بلکه امیر مؤمنان علی علیه السلام مدتی بعد از وفات حضرت زهرا سلام الله علیها با مادر او ازدواج کرد. بنا بر این، روایات او از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مرسل خواهند بود، و این جنبه دیگری از ارسال این روایت است.

(۱) تهذیب التهذیب: ۲۵ / ۸ و ۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۸

سوید بن غفله ... ص: ۵۸

حاکم نیشابوری روایت سوید را از احمد بن حنبل به سندش از شعبی از سوید نقل کرده است، ولی ما آن را نزد دیگران نیافتیم. البته حاکم آن را صحیح دانسته است، اما ذهبی در کتاب تلخیص خود می‌گوید: این حدیث، حدیثی مرسل قوی است. مرسل بودن آن روشن است، چرا که سوید، رسول خدا صلی الله علیه وآله را درک نکرده بود؛ او هنگامی به مدینه آمد که مردم دست‌هایشان را از کار دفن جنازه پیامبر صلی الله علیه وآله تکانده بودند.

شگفتا از حاکم! چگونه آن را صحیح دانسته است!

همچنین شگفتا از ذهبی! چرا که این حدیث را از احمد بن حنبل از طریق شعبی از سوید بن غفله نقل می‌کند ... و درباره آن سکوت می‌نماید (!!) «۱».

و شگفتا از ابن حجر و قسطلانی! چگونه بر صحت سند این حدیث با حاکم موافقت می‌کنند، با این که تصریح می‌نمایند که سوید، رسول خدا صلی الله علیه وآله را ندیده است! «۲» البته عینی نیز به همین ترتیب عمل کرده است! «۳»

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۱۲۴ / ۲ و ۱۲۵.

(۲) ارشاد الساری: ۵۱۷ / ۱۱، فتح الباری: ۴۱۰ / ۹.

(۳) عمده القاری: ۲۰ / ۲۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۵۹

عامر شَعْبِي ... ص: ۵۹

آن سان که در کنز العمال آمده و ابن ابی شیبیه نیز در المصنّف آورده است - چنان که گذشت - عبدالرزاق بن همام روایت عامر شَعْبِي را نقل کرده است؛ زیرا منظور او از عبارت ... «از عامر» که در سند روایت آمده، همین عامر شَعْبِي است و احمد حنبل نیز آن را در کتاب فضایل آورده است.

اما مسلم است که مرگ شَعْبِي بعد از سال صد بوده و مشهور است که او شش سال قبل از پایان حکومت عمر متولد شده است «۱». از این رو، این روایت با این سند، مرسل است، هر چند ممکن است عامر آن را از سوید بن غفله روایت کرده باشد. البته حاکم و احمد نیز آن را این گونه روایت کرده‌اند؛ و روشن شد که در این صورت نیز، مرسل است.

این در صورتی است که از طعن‌ها و قدح‌هایی که بر شَعْبِي وارد شده است چشم‌پوشی کنیم، که مهم‌ترین آن‌ها این است که او از جمله جعل‌کنندگان حدیث علیه اهل بیت علیهم السلام بوده است. از همو روایت شده است که گفت: «ابوبکر صدیق! بر جنازه فاطمه، دختر

(۱) تهذیب التهذیب: ۵/ ۶۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۰

رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد و بر او چهار تکبیر گفت» «۱».

همچنین او گفته است: «وقتی که فاطمه در گذشت، علی او را شبانه دفن کرد و زیر بغل‌های ابوبکر را گرفت و او را برای نماز بر جنازه او جلو انداخت» «۲».

بی‌تردید این مطلب دروغ است تا جایی که ابن حجر ناگزیر شده است که بگوید: در حدیث او ضعف و انقطاعی وجود دارد «۳». همچنین شَعْبِي از بسیاری از اصحاب روایت کرده است که در میان آن‌ها افرادی همچون علی علیه السلام، ابو سعید خدری، زید بن ثابت، عبدالله بن عمر، امّ سَلَمَه و عایشه وجود دارند، و علما تصریح کرده‌اند که او اصلاً آن‌ها را ندیده و سخنی از آن‌ها نشنیده است «۴».

گذشته از این، کسی که در این جا از شَعْبِي روایت کرده، زکریّا بن ابی زائده است. او کسی است که رجال‌شناسان و اصحاب جرح و تعدیل بر او طعن زده‌اند.

(۱) طبقات ابن سعد: ۸/ ۲۴.

(۲) کنز العمال: ۱۳/ ۲۹۵ شماره ۳۷۷۵۶.

(۳) الإصابه: ۸/ ۲۶۷.

(۴) این در حالی است که هر دو روایت از احمد بن حنبل و با یک سند نقل شده است که یکی را احمد در کتاب فضایل و دیگری را حاکم در المستدرک آورده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۱

ابن ابی لیلی در مورد زکریّا می‌گوید: او ضعیف است.

ابوزرعه می‌گوید: او در حدیث از شَعْبِي بسیار تدلیس کرده است.

ابوحاتم در مورد زکریا این گونه اظهار نظر می‌کند: حدیث او سست است. او همواره تدلیس می‌کرد و گفته شده است که مسائلی را که از شَعْبِی روایت می‌کرده، از او نشنیده بود. ابوداود می‌گوید: او تدلیس می‌کرد.

پسرش یحیی بن زکریا می‌گوید: اگر می‌خواستم، راوی میان پدرم (زکریا) و شَعْبِی را برای تو نام می‌بردم «۱». و از این جا معلوم می‌شود که این شخص - علاوه بر این که ضعیف بوده - کارش نسبت دادن احادیث بی‌اساس به شَعْبِی بوده، و - چنان که می‌دانیم - حدیث مورد بحث ما نیز از شَعْبِی است! فراتر این که، کسی که در این جا از زکریا بن ابی زائده روایت کرده، پسرش یحیی است. و یحیی قاضی هارون در مدائن بود و همان جا دار فانی را وداع گفت. ابوزرعه در مورد زکریا می‌گوید: به ندرت اشتباه می‌کرد، اما

(۱) تهذیب التهذیب: ۲۹۳/۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۲
هر گاه که اشتباه می‌کرد، خطاهای بزرگی از او سر می‌زد.
ابونعیم می‌گوید: زکریا اهلیت و شایستگی ندارد که از او روایت شود «۱».

این وضعیت روایت عامر شَعْبِی و طریق روایت از اوست. آنچه بیان شد صرف نظر از این است که شَعْبِی از قاضیان و ندیمان سلاطین ستم‌پیشه، همچون عبدالملک بن مروان و دیگران بود، که همگی از دشمنان اهل بیت طاهرین علیهم السلام بودند «۲».

ابن ابی مُلَیکه ... ص: ۶۲

این داستان ساختگی از ابن ابی مُلَیکه به سه گونه نقل شده است:

- ۱- با اسناد به مِسْوَر بن مخرمه، آن سان که بُخاری در دو مورد، و مُسلم، ترمذی و دیگران در یک مورد نقل کرده‌اند.
- ۲- با اسناد به عبدالله بن زبیر، همان گونه که ترمذی روایت کرده است.
- ۳- به صورت مرسل، آن سان که در المصنف عبدالرزاق آمده است.

(۱) تهذیب التهذیب: ۱۸۴/۱۱ و ۱۸۵.

(۲) نگاه کنید به: تاریخ یعقوبی: ۲۸۰/۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۳

این روایت مرسل به یکی از دو نفر برمی‌گردد: یا مِسْوَر یا عبدالله بن زبیر و یا هر دو تن، که بعضی چنین احتمال داده‌اند. ما در این مورد به هنگام بحث از روایت ترمذی از عبدالله بن زبیر، سخن گفتیم.

در مورد روایت او از ابن زبیر باید بگوییم که به جهت عدم اعتبار ابن زبیر، این روایت از درجه اعتبار ساقط است، و پیش از این درباره آن بحث کردیم.

ولی درباره حدیث مِسْوَر با تفصیل بیشتری سخن خواهیم گفت.

مردی از مکه ... ص: ۶۳

درباره این راوی گمنام مکی، در سند روایت احمد بن حنبل در کتاب فضایل این گونه آمده است: «ابی حنظله از مردی از اهل مکه نقل می‌کند».

در روایتی که حاکم نقل کرده، چنین آمده است: «از ابی حنظله از مردی از اهل مکه».

در این جا لازم است این سند از چند جهت بررسی شود:

۱- در سند این روایت اضطراب مشاهده می‌شود.

در یک جا ابو حنظله حدیث را از مردی مکی و او از علی علیه السلام

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۴

روایت می‌کند، و در جای دیگر ابو حنظله خودش همان مرد مکی است که به طور مستقیم از علی علیه السلام روایت می‌کند (!!).

افزون بر این، هر دو روایت از احمد بن حنبل با یک سند نقل شده است که او یکی را در کتاب الفضایل آورده و دومی را حاکم در المستدرک آورده است.

۲- ابوحنظله کیست؟ و این مرد مکی چه کسی است؟

حاکم این روایت را نقل کرده، بدون آن که بعد از نقل آن چیزی بگوید.

ولی ذهبی پس از نقل آن می‌گوید: من می‌گویم که این حدیث، مرسل است.

این بدان معناست که ابو حنظله به طور مستقیم از علی علیه السلام روایت نکرده، بلکه از مردی از اهل مکه - که معلوم نیست چه کسی است - روایت کرده است.

۳- تنها طریق این روایت از ابو حنظله چنین است: «یزید بن هارون از اسماعیل بن ابی خالد از ابو حنظله».

در این طریق یزید بن هارون در اول سلسله سند قرار دارد و در مورد او آن قدر طعن و جرح شده که برای رد کردن روایاتش کافی است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۵

یحیی بن معین درباره یزید می‌گوید: او در روایت از اصحاب حدیث، تدلیس می‌کرد؛ چرا که آن‌ها را از یکدیگر تمییز نمی‌داد و پروایی نداشت که از چه کسی روایت می‌کند «۱».

این وضعیت حدیثی است که حاکم آن را بر صحیح مسلم و بخاری استدراک کرده است (!!).

(۱) تهذیب التهذیب: ۱۱ / ۳۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۶۹

بخش چهارم سخنی در مورد روایت مسور ... ص: ۶۹

بررسی روایت مسور ... ص: ۶۹

اشاره

با توجه به آنچه بیان شد، طریقی که اصحاب صحاح همگی بر آن اتفاق نظر دارند، همان طریق روایت نخست (روایت مسور) است و این تنها طریقی است که بخاری، مسلم، نسایی «۱» و ابن ماجه آن را نقل کرده‌اند.

البته ترمذی تنها کسی است که این روایت را از ابن زبیر نقل کرده، که با احتمالی که او درباره این حدیث داده است آشنا شدیم.

ابو داوود نیز تنها کسی است که این روایت را از عروه نقل کرده است که وضعیتی او نیز بیان شد. بنا بر این، حدیثی که در نزد همگی آنها قابل اعتماد و صحیح است، همان حدیث مشور بن مخرمه است.

(۱)

خصائص امیرالمؤمنین علی علیه السلام: ۱۸۳ و ۱۸۴ شماره‌های ۱۳۳ و ۱۳۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۰

از بررسی های گذشته، روشن شد که روایاتی که اینان از مشور بن نقل کرده‌اند، به دو نفر منتهی می‌شود:

۱- علی بن الحسین، امام زین العابدین علیه السلام.

۲- عبدالله بن عبیدالله بن ابی مُلیکه.

تنها راوی که روایت خواستگاری را از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است کسی جز محمد بن شهاب زُهری نیست. ولی راویانی که از ابن ابی مُلیکه نقل کرده‌اند دو نفر هستند:

۱- لیث بن سعد.

۲- ایوب بن ابی تیمیه سختیانی.

دارمی، بخاری، مسلم، احمد، ابن ماجه و ... این حدیث را از ابو یمان «۱» از شعیب از زُهری روایت کرده‌اند.

همچنین بخاری، مسلم، ابو داوود و احمد ... این حدیث را از ولید بن کثیر از محمد بن عمرو بن حلحله از زُهری روایت کرده‌اند.

مسلم این روایت را از طریق نعمان از زُهری نقل کرده است.

ما در این نوشتار مختصر در صدد بحث در مورد ابو یمان،

(۱) همان گونه که گذشت ابویمان در سلسله سند حدیث سوم بخاری و مسلم، حدیث دوم ابن ماجه و احمد بن حنبل قرار دارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۱

حکم بن نافع و روایت او از شعیب - که همان ابن حمزه کاتب زُهری است - «۱» و روایات خود شعیب نیستیم و تنها اشاره می‌کنیم

که علما در این باره سخنان بسیاری گفته‌اند، تا جایی که بعضی گفته‌اند: ابو یمان، هیچ حدیث یا حتی کلمه‌ای از شعیب نشنیده

است!! «۲» نکته دیگر این که، این دو نفر از مردم شهر «حمص» بودند و مردم آن شهر سرسخت‌ترین دشمنان امیر مؤمنان علی علیه

السلام در آن زمان بودند و حماقت آنها ضرب المثل بوده است «۳».

همچنین در صدد بررسی احوالات ولید بن کثیر نیستیم که از فرقه‌های خوارج و اباضی مذهب بوده است «۴».

همچنین درباره ایوب و لیث، که از مردم مصر بودند، سخن نمی‌گوییم، بلکه فقط متذکر می‌شویم که مردم مصر از عثمان،

عیب‌جویی و بدگویی می‌کردند اما از زمانی که لیث در مصر موقعیت و شهرت پیدا کرد و به بیان روایاتی در فضیلت عثمان

پرداخت، مردم از عیب‌جویی و بدگویی عثمان دست برداشتند «۵».

(۱) تهذیب التهذیب: ۳۱۸/۴ و ۳۱۹.

(۲) همان: ۳۹۶/۲ و ۳۹۷.

(۳) معجم البلدان: ۳۴۹/۲.

(۴) تهذیب التهذیب: ۱۱/۱۳۱.

(۵) همان: ۴۰۴/۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۲

همچنین درباره نعمان بن راشد جَزَری بحث نمی‌کنیم، او کسی است که علما در مورد او گفته‌اند:
- قَطَّان او را به شدت تضعیف کرده است.

- احمد بن حنبل درباره اش گفته که حدیث او مضطرب است.

- ابن معین گفته است که او در نقل حدیث ضعیف است.

- بُخاری و ابوحاتم گفته‌اند که در روایات او غلطهای بسیاری است.

- ابن ابی حاتم در مورد دیگری گفته است: بُخاری او را در ردیف ضعفا آورده است.

- ابو داود گفته است که او ضعیف است.

البته نسایی و عقیلی نیز درباره او همین را گفته‌اند «۱».

از همه این مطالب می‌گذریم، و قبل از کنکاش درباره مسور و حدیث او، فقط به بحث و تحقیق در احوال ابن ابی مُلیکه و زُهری - بر اساس نظرات بزرگان اهل سنت - بسنده می‌کنیم.

ابن ابی مُلیکه ... ص: ۷۲

درباره ابن ابی مُلیکه همین بس که بدانیم او قاضی عبدالله بن

(۱) تهذیب التهذیب: ۴۰۴/۱۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۳

زبیر و مؤذن خاص او در دوران حکومتش بوده است. ابن زبیر بعد از هلاکت یزید، در مکه و در بعضی از شهرهای حجاز حکومت تشکیل داد «۱».

البته قبل از این، به سیاست عملی ابن زبیر در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اشاره‌ای کردیم و دقت در آن برای آگاهی از وضعیت ابن ابی مُلیکه که قاضی و شخص مورد اعتمادش بوده، کافی است.

زُهری ... ص: ۷۳

زُهری یکی از راویان اصلی در بیشتر روایات این داستان است.

او کسی است که خبر مورد اعتماد حدیث شناسان اهل سنت را به نقل از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است (!!). بنا بر این، درباره او به تفصیل سخن می‌گوییم.

زُهری از جمله منحرفان از امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بود. این دشمنی در مورد او شهرت بسیاری یافت، به طوری که تاریخ نویسان و محدثان او را در ردیف منحرفان از اهل بیت علیهم السلام شمرده‌اند.

ابن ابی الحدید معتزلی به این مطلب اشاره می‌کند و می‌گوید:

(۱) تهذیب التهذیب: ۲۷۲/۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۴

جریر بن عبدالحمید از محمّد بن شیبیه روایت کرد و گفت: وارد مسجد مدینه شدم، زُهری و عَزْوَةُ بن زبیر نشسته بودند و از علی بدگویی می‌کردند. این مطلب به گوش علی بن الحسین رسید. به مسجد آمد و کنار آنها ایستاد و گفت: اما تو ای عروه! پدرم از دست پدرت به خدا شکایت کرد و او را به داوری فرا خواند و خداوند به نفع پدرم و علیه پدر تو حکم کرد. اما تو ای زُهری! اگر در مکه بودی، دم آهنگری پدرت را به تو نشان می‌دادم «۱».

و این کلام از آن حضرت اشاره به یهودی‌زاده بودن زُهری است زیرا حرفه مذکور در آن تاریخ شغل یهودیان مکه بود، و دشمنی یهود با رسول الله صلی الله علیه و آله و خاندان او برای همگان ثابت و آشکار است. موضوعی که دشمنی زُهری با امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را تأکید می‌کند، تلاش او برای انکار مناقب امیر مؤمنان علی علیه السلام - از جمله انکار تقدم آن حضرت در اسلام بر عموم یاران رسول الله صلی الله علیه و آله - است. ابن عبدالبرّ می‌گوید که معمر در کتاب جامع خود از زُهری نقل می‌کند که گفته است: کسی را نمی‌شناسیم که پیش از زید بن حارثه

(۱) شرح نهج البلاغه: ۱۰۲/۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۵
اسلام آورده باشد.

عبدالرزاق می‌گوید: کسی را سراغ نداریم که چنین گفته باشد، مگر زُهری «۱».
در تکمیل آگاهی از دشمنی زُهری با امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام همین بس که او از عمر بن سعد ملعون، قاتل امام حسین علیه السلام روایت نقل می‌کرد. ذهبی در این باره می‌گوید:
عمر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش روایت کرده، ابراهیم و ابو اسحاق از او روایت کرده‌اند، و زُهری و قتاده به طور مرسل از او روایت نقل کرده‌اند.

ابن معین می‌گوید: چگونه کسی که حسین را کشته است، می‌تواند موثق باشد؟! «۲».
از طرفی، زُهری از عمّال و کارگزاران بنی امیه و محکم کنندگان پایه‌های سلطنت آنها بود، به طوری که این امر را تمام دانشمندان و زاهدان زمانش بر او عیب می‌گرفتند.
علامه عبدالحق دهلوی در کتاب رجال المشکاة در شرح حال زُهری می‌گوید:

(۱) الاستیعاب: ۱۱۷/۲.

(۲) الکاشف: ۳۰۱/۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۶

او به واسطه همنشینی با امرا، به کمی دیانت و دینداری دچار شده بود و دانشمندان و زاهدان معاصر او، این امر را بر او عیب می‌گرفتند و او را سرزنش می‌کردند.

وی در پاسخ می‌گفت: من در خیر آنها شریک هستم، با شر آنها کاری ندارم (!!).

به او می‌گفتند: آیا نمی‌بینی آنها به چه کارهایی مشغول هستند؟

اما او ساکت می‌ماند و پاسخ نمی‌داد.

بر همین اساس، ابن معین او را طعن و قدح کرده است. حاکم از ابن معین نقل می‌کند و می‌گوید: محکم‌ترین سندها، طریق اعمش

از ابراهیم از علقمه از عبدالله است.
کسی به او گفت: اعمش هم مثل زُهری است؟
ابن معین گفت: آیا می‌خواهی اعمش همانند زُهری باشد؟!
زُهری در مال و ثروت غرق بود و برای امویان کار می‌کرد، در حالی که اعمش فقیری صبور بود که از سلاطین و امرا دوری می‌جست و به وسیله قرآن راه ورع و پارسایی را می‌پیمود (۱).
به همین مناسبت امام زین العابدین علیه السلام نامه‌ای به زُهری نوشت و در آن، او را موعظه فرمود، و خدا و روز رستاخیز را به او تذکر

(۱) تهذیب التهذیب: ۴/۲۰۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۷
داد و او را از آثار بد حضور در کاخ‌های سلاطین، آگاه ساخت. در بخشی از این نامه چنین آمده است:
«إِنَّ أَدْنَى مَا كَتَمْتَ وَأَخْفَى مَا احْتَمَلْتَ أَنْ أَنْتَ وَحِشَةُ الظَّالِمِ، وَسَهْلَةٌ لَه طَرِيقُ الْغِيِّ...
جَعَلُوكَ قَطْبًا أَدَارُوا بَكَ رَحَى مَظَالِمِهِمْ، وَجَسْرًا يَعْبرُونَ عَلَيْكَ إِلَى بِلَايَاهُمْ، وَسَلَّمًا إِلَى ضَلَالَتِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى غِيِّهِمْ، سَالِكًا سَبِيلَهُمْ...
أَحَدٌ فَقَدْ نُتِبْتُ، وَبَادِرٌ فَقَدْ أُجِّلْتُ...
ولا- تحسب أني أردت توبيخك وتعنيفك وتعيرك، لكنني أردت أن ينعش الله ما فات من رأيك، ويرد إليك ما عذب من دينك...»

«أما ترى ما أنت فيه من الجهل والغرّة؟! وما الناس فيه من البلاء والفتنة...؟!
فأعرض عن كل ما أنت فيه حتى تلتحق بالصالحين؛ الذين دُفِنُوا فِي أَسْمَالِهِمْ، لاصِقَةً بطنهم بظهورهم...
ما لك لا تتبه من نعستك وتستقيل من عثرتك فتقول: والله! ما قمتُ لله مقاماً واحداً ما أحييتُ به له ديناً، أو أمتُّ له فيه باطلاً؟!»
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۸
«کمترین چیزی که پنهان داشتی و سبک‌ترین چیزی که از آن چشم پوشیدی، این است که با تنهایی ستمگران خو گرفته‌ای و راه سرکشی را برای آنان هموار کرده‌ای...»

«آنها تو را محوری قرار دادند که سنگ آسیای ستمگیشان را به دور تو بچرخانند و پلی که از روی آن به سوی گرفتاری‌هایشان عبور کنند. آنان تو را نردبانی به سوی گمراهیشان، دعوت کننده‌ای به سرکشی‌هایشان و پیماننده راهشان برگزیده‌اند...
من اکنون به تو هشدار دادم پس ترتیب اثر بده و تا مهلتی که [از خدا] داری تمام نشده، عجله کن!
گمان نکن که قصد توییخ، سرزنش و عیب‌جویی تو را دارم، بلکه خواستار آن هستم که خداوند تو را از غفلتی که تا کنون داشتی خارج کرده و هر چه از دینت را که از دست داده‌ای به تو برگرداند...
آیا این جهل و غروری که خود در آن هستی و این بلا و فتنه‌ای که مردم در آن هستند، نمی‌بینی...؟!
بنا بر این، از همه آنچه که در آن هستی، روی بگردان و آنها را رها کن تا به صالحان و شایستگان پیبندی؛ همان‌هایی که در
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۷۹

لباس‌های کهنه خود دفن شدند در حالی که شکم‌هایشان به پشتشان چسبیده بود...
تو را چه شده است که از این چرت و خواب بیدار نمی‌شوی و جلوی سقوط خودت را نمی‌گیری؟! و نمی‌گویی: به خدا سوگند!
یک بار هم در مقامی برای رضای خدا به پا نخاستم تا در آن مقام برای او دین حقی را زنده کنم، یا باطلی را بمیرانم» (۱).

(۱) تحف العقول عن آل الرسول: ۲۷۴-۲۷۷، نوشته ابن شعبه حُرّانی از علمای امامیه در قرن چهارم هجری.

غزالی این نامه را در کتاب احیاء علوم الدین (۲/۱۴۳) آورده، ولی گفته است: «هنگامی که زُهری با امرا هم‌نشین شده بود، یکی از برادران دینی او نامه‌ای برای وی نوشت».

او این نامه را به یک برادر دینی نسبت می‌دهد و نام امام زین العابدین علیه السلام را نمی‌آورد.

در هر حال، از عبارت غزالی نیز همین مقصود حاصل می‌شود که همان نامه امام زین العابدین علیه السلام است. بسیاری از کسانی که در این موضوعات و نظایر این‌ها مطالبی نوشته‌اند، هر گاه به آثار امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده‌اند، نام آن‌ها را- به جهتی یا هدفی دیگر- مخفی کرده‌اند.

به عنوان نمونه مَنَوی در کتاب الکواکب الدرّیه (۱/۲۰۸) همین گونه عمل کرده است. او قضیه توبه بُشر حافی به دست امام کاظم علیه السلام را نقل می‌کند، ولی نام امام علیه السلام را ذکر نمی‌کند. البتّه نظیر این مطالب زیاد است که بیان آن‌ها به طول می‌انجامد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۰

گذشته از این‌ها، زُهری دشمنی با اسلام و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را از پدرانش به ارث برده بود. ابن خَلّکان در شرح حال او می‌نویسد:

پدر پدر بزرگ او، عبدالله بن شهاب، در جنگ بدر در سپاه مشرکان حاضر شد. وی از افرادی بود که در جنگ احد پیمان بستند که اگر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را دیدند، حتماً او را بکشند، مگر این که کشته شوند.

نقل شده است که به زُهری گفتند: آیا جدّ تو در جنگ بدر شرکت داشت؟

گفت: آری، ولی از آن طرف. یعنی او در سپاه مشرکان بود.

پدر او همراه مصعب بن زبیر بود. خود زُهری از ملازمان عبدالملک بود و پس از او با هُشام بن عبدالملک بود. یزید بن عبدالملک از او خواست تا مقام قضاوت را بپذیرد «۱».

اکنون که وضعیت زُهری و جایگاه او نزد امام علی بن الحسین علیهما السلام روشن شد، آیا می‌توان پذیرفت که امام علیه السلام چنین حدیثی را که در آن عیب‌جویی و کاستی بر جدّش رسول امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مادرش

(۱) وفیات الاعیان: ۴/۱۷۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۱

زهرای علیها السلام و پدرش امیر مؤمنان علی علیه السلام است، برای او بیان کرده باشد؟

ولی نکته این‌جاست که روش زُهری چنین است که هنگامی که می‌خواهد حدیثی را که به ضرر پیامبر و عترت او علیهم السلام یا بر خلاف سنت ایشان است، جعل کند، آن را از زبان یکی از همین خاندان نقل می‌کند تا آن را به مردم بقبولانند.

یک روایت را به عنوان نمونه نقل می‌کنیم: زُهری حدیثی را از قول پسر محمّد بن علی (ابن حنفیه) جعل کرده است که او از پدرش امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده که وقتی آن حضرت شنید که ابن عبّاس متعه را جایز می‌داند به او گفت: «تو مردی پریشان و گمراه هستی، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در روز خیبر از متعه و از خوردن گوشت چهارپایان اهلی نهی کرد».

این همان حدیثی است که بزرگان اهل سنت همانند بیهقی، ابن عبدالبرّ، سهیلی، ابن قیّم، قسطلانی، ابن حجر عسقلانی و دیگر شارحان احادیث، حکم به بطلان آن داده‌اند «۱».

ولی او- که می دانست حلال بودن متعه از مذهب اهل بیت علیهم السلام

(۱) ما در مورد متعه حج و متعه نساء نوشتار جداگانه‌ای داریم که به چاپ رسیده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۲

است- این حدیث را از زبان فردی از خود اهل بیت علیهم السلام از قول سید و سرور آنها، امیر مؤمنان علی علیه السلام، آن هم در ردّ بر ابن عباس و به این تعبیر جعل می کند.

البته اگر چه او از مشهورترین افرادی است که به کار زشت و قبیح جعل روایت اقدام کرده است!! اما هرگز نباید چنین تصوّر کرد که جعل روایت از قول اهل بیت علیهم السلام مختص به زُهری بوده است.

یکی از محدثان اهل سنت، عبدالله بن محمد بن ربیع بن قدامه قدامی است. ذهبی و ابن حجر در شرح حال او می نویسند: او یکی از ضعفا است.

وی مطالب فاجعه آمیزی را از مالک نقل کرده است. به عنوان نمونه می گوید که از جعفر بن محمد از پدرش از جدش روایت شده است که:

فاطمه رضی الله عنها شبانه وفات کرد. ابوبکر، عمر و عده بسیاری برای مراسم نماز او حاضر شدند. ابوبکر از علی خواست نماز به امامت او برگزار شود.

علی گفت: نه، به خدا سوگند! بر تو که خلیفه رسول الله هستی پیشی نمی گیرم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۳

ابوبکر جلو ایستاد و در این نماز چهار تکبیر گفت «۱».

ابن حجر می گوید: این روایت را برخی از متروکین در حدیث، از مالک و او از جعفر بن محمد (یعنی امام صادق علیه السلام) و او از پدرش روایت کرده اند. دارقطنی و ابن عدی آن را ضعیف و سست دانسته اند «۲».

آنها با این همه تلاش می خواهند بر جنایاتی که انجام داده اند، سرپوشی قرار داده و مفاسدی را که پدید آورده اند، به گونه ای اصلاح کنند. ولی، هرگز! «هل یصلح العطار ما افسده الدهر».

مسنور بن مخرمه ... ص: ۸۳

درباره مسنور همین بس که چند نکته را بدانیم:

۱- او از ملازمان ابن زبیر بود و ابن زبیر کاری را بدون مشورت او انجام نمی داد.

وی پس از این که با سپاهیان شام جنگید، در جریان سنگباران کعبه به دستور حجاج کشته شد و ابن زبیر خود به کار غسل و کفن او پرداخت.

(۱) لسان المیزان: ۳ / ۳۹۲.

(۲) الإصابه: ۸ / ۲۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۴

۲- هر گاه نام معاویه را بر زبان جاری می کرد، بر او درود و صلوات می فرستاد.

۳- خوارج با او رفت و آمد و مذاکرات خصوصی داشتند. آنها مذهب و نظرات او را پذیرفته و خود را به او منسوب می کردند

(۱).

اکنون که به طور اجمال از احوال مشور و ارتباط او با سه گروه سرسخت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام آشنا شدیم، به آسانی به درستی و واقعیت حدیث مشور در موضوع خواستگاری پی ببریم.

ولی آنچه ذکر شد قسمتی از مطالبی است که می‌توان در خصوص این راوی و این روایت بیان کرد. بلکه علت دیگری وجود دارد که پرده از رسوایی و پستی راوی افترا زنده این حدیث برمی‌دارد؛ نکته چهارم را ملاحظه کنید:

۴- مشور دو سال بعد از هجرت به دنیا آمد. بنا بر این، زمانی که پیامبر صلی الله علیه وآله آن خطبه را می‌خواند، چند سال داشته است؟!!

این نکته‌ای است که در بخش آینده، در مورد آن- و مباحث دیگری که به این حدیث مربوط می‌شود- بحث جامع و کاملی ارائه خواهیم کرد.

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۳/ ۳۹۰-۳۹۴، تهذیب التهذیب: ۱۰/ ۱۳۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۷

بخش پنجم بررسی متن حدیث و مدلول آن ... ص: ۸۷

اندیشه‌ای در متن حدیث و مدلول آن ... ص: ۸۷

اشاره

اکنون، پس از بررسی سند حدیث، ناگزیر باید در مورد متن حدیث و مدلول آن نیز بیندیشیم و متن حدیث را به دقت بنگریم؛ زیرا در مواردی که با وجود معتبر بودن سند حدیث، متن آن‌ها متفاوت باشد، علمای حدیث ناچار به تکرار واقعه قائل می‌شوند. ولی هنگامی که تکرار و تعدد واقعه ممکن نباشد، و جمع کردن میان عبارات‌های مختلف حدیث مقدور نشود، این امر در نظر آن‌ها، قرینه و نشانه‌ای بر این است که چنین قضیه‌ای، اصلاً واقعیت نداشته است.

علمای حدیث چنین تقریر کرده‌اند و همین را مبنای بسیاری از احادیث فقهی، اخبار، قضایای تاریخی و مانند آن‌ها، قرار داده‌اند و بدان عمل می‌کنند. از این رو، چاره‌ای جز بررسی دلالات حدیث نیست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۸

گاهی حدیث از جهت سند صحیح است ولی از جهت دلالت، با ضرورت عقلی یا محکّمات قرآن یا سنت قطعی و یا حقیقت قضیه مخالف است.

ما در این جا با فرض صحّت سند حدیث و قبول آن، متن این حدیث و مدلول آن را در چند قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تأمّلی در متن حدیث مشور بن مخرمه ... ص: ۸۸

همان گونه که اشاره شد حدیث مشور از چند جهت قابل بررسی است:

نخست: در این روایت آمده است که مشور می‌گوید: من از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم در حالی که بالغ بودم.

ابن حجر می‌گوید: در روایت زهری از علی بن الحسین از مشور- که در بحث وجوب خمس گذشت- چنین آمده است که مشور می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله بر فراز منبر برای مردم خطبه می‌خواند و من در آن روز بالغ شده بودم.

ابن سید الناس می گوید: این متن نادرست است بلکه صحیح همان است که اسماعیلی آورده است که مسور گفت: «من مانند افراد بالغ و نوجوان بودم». اسماعیلی این روایت را از طریق یحیی بن معین سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۸۹

از یعقوب بن ابراهیم با سند مذکور از علی بن الحسین علیهما السلام آورده است.

ابن سید الناس در ادامه می گوید: مسور در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله به سن بلوغ نرسیده بود، زیرا او پس از ابن زبیر به دنیا آمده بود. پس هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه وآله هشت ساله بود «۱».

همچنین ابن حجر در شرح حال مسور می گوید: در صحیح مسلم حدیثی از او درباره خواستگاری علی از دختر ابوجهل آمده است «۲» که در آن حدیث مسور می گوید: من به سن بلوغ رسیده بودم که شنیدم پیامبر صلی الله علیه وآله برای مردم خطبه می خواند؛ سپس این حدیث را بیان کرده است.

اما این حدیث مشکلی دارد که نمی شود به آن اعتماد کرد، زیرا تاریخ نویسان هیچ اختلافی ندارند که ولادت مسور بعد از هجرت بوده و قضیه خواستگاری علی، شش یا هفت سال بعد از تولد مسور روی داده است. پس چگونه می توان به او بالغ گفت؟ «۳»

(۱) فتح الباری: ۴۰۹/۹.

(۲) پیش تر گفته شد که این روایت در صحیح بخاری هم هست؛ ولی معلوم نیست چرا ابن حجر آن را به مسلم اختصاص داده است؟!

(۳) تهذیب التهذیب: ۱۳۸/۱۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۰

این نخستین اشکالی است که در متن حدیث دیده می شود! چه بسا بتوان از همین ناحیه در سند آن نیز اشکال وارد کرد. و شگفتا از ذهبی که چگونه بر اساس این حدیث پنداشته است که مسور در آن زمان بالغ بوده است «۱».

دوم: مسور، داستان خواستگاری دختر ابوجهل را هنگام درخواست شمشیر پیامبر صلی الله علیه وآله از علی بن الحسین علیهما السلام بیان کرده است، و علمای حدیث در وجه مناسبت بین این دو قضیه نیز اختلاف دارند. آن ها جوهری را بیان نموده و اعتراف کرده اند که برخی از آن ها تکلف و بیراهه است؛ ولی حقیقت این است که همه آن وجوه باطل و غیر قابل قبول است آن سان که ملاحظه خواهید کرد.

کرمانی در الکواکب پس از نقل این داستان می گوید: وجه مناسبت این داستان با درخواست شمشیر رسول خدا صلی الله علیه وآله چیست؟

آن گاه پاسخ این پرسش را از سه راه بیان می دارد:

۱- شاید غرض مسور این بوده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله از هر چیزی که موجب کدورت میان خویشاوندانش می شد، دوری می کرد و تو نیز (امام سجاد علیه السلام) شایسته است که از این امور

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۳۹۳/۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۱

دوری کنی و این شمشیر را به من بدهی تا به واسطه آن، کدورت دیگری پیش نیاید.

۲- همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه وآله حال پسرعموهای عبثی خود را رعایت می کرد، تو نیز جانب حال پسرعموهای

نوفلی خود را رعایت کن؛ زیرا مسور نوفلی بود.

۳- همان گونه که پیامبر صلی الله علیه وآله آسایش خاطر فاطمه را دوست می داشت، من نیز آسایش خاطر تو را دوست می دارم، پس آن شمشیر را به من بده تا برای تو نگه دارم (۱).

این ها وجوهی است که کرمانی برای دفع این اشکال بیان کرده است.

ابن حجر عسقلانی این وجوه را ذکر کرده و مورد اول را رد می کند و می گوید که تکلف آن آشکار و واضح است. مورد دوم را به طور کامل نقض می کند و بیان می نماید که مسور، زهری است و نوفلی نیست! اما مورد سوم را می پذیرد و از آن به عنوان وجه «مورد» و قابل اعتماد تعبیر می کند؛ ولی در پی آن می گوید: به زودی در کتاب مناقب

(۱) الكواکب الدراری: ۱۳/ ۸۸ و ۸۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۲

اشکالی را بیان خواهیم کرد که مربوط به این وجه است (۱).

این وجه قابل اعتماد (!)، صاحب عمده القاری را قانع نکرده است.

او بر این وجه تکیه نمی کند و مناسبت میان این دو قضیه را به گونه ای دیگر تفسیر می نماید.

عینی می گوید: مسور داستان خواستگاری علی از دختر ابوجهل را بیان کرد تا میزان محبت خود به فاطمه و ذریه او را به واسطه آن چه که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده است، به علی بن الحسین زین العابدین بفهماند (۲).

ولی با وجود این، باز هم اشکال به جای خود باقی است، یعنی اگر مسور این داستان را بیان کرده است تا زین العابدین علیه السلام بدانند که او آسایش خاطر وی را دوست دارد، و یا از محبت و مهرورزی او نسبت به فاطمه و فرزندان او آگاه شود، پس قضیه

شمشیر رسول خدا صلی الله علیه وآله و درخواست آن از امام علیه السلام چه ارتباطی با این موضوع دارد؟

آیا آسایش خاطر امام زین العابدین علیه السلام- که با آن حال و وضعیت همراه زنان و کودکان از عراق آمده بود- از همه جهات

(۱) فتح الباری: ۶/ ۲۶۴.

(۲) عمده القاری: ۱۵/ ۳۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۳

فراهم شده بود، و دیگر چیزی غیر از آن شمشیر نمانده بود که خاطر وی را مشوش سازد؟! آیا مسور می خواست آسایش خاطر آن

حضرت را فراهم کند، یا محبتش را به آن حضرت اعلام نماید تا شمشیر را بگیرد و خاطرش آسوده شود؟!

سوم: آیا عقلایی است که انسان برای کسی که در پی فراهم ساختن آسایش خاطر اوست و می خواهد محبت خود را نسبت به او

ابراز کند، سخنی بگوید که او را اندوهگین کند و عواطفش را جریحه دار سازد؟

همان گونه که ملاحظه می شود این حدیث، اگر چه کرامت و بزرگی را برای فاطمه زهرا سلام الله علیها، مادر امام زین العابدین

علیه السلام بیان می کند، ولی موجب طعن و قدح بر پدر بزرگوارش امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

این همان اشکالی است که ابن حجر در گفتار پیشین خود به آن اشاره کرده است. وی در کتاب المناقب می گوید:

من همچنان از مسور در شگفتم که چگونه شدت اهتمام خود را نسبت به علی بن الحسین اظهار می کند و می گوید: اگر علی بن

الحسین شمشیر رسول خدا صلی الله علیه وآله را به وی بسپارد، تا روح در بدن دارد، از او دفاع می کند. از آن جهت که فرزند

فاطمه است؛ اما خاطر علی بن

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۴

الحسین را با سخن درباره خواستگاری مراعات نکرده و او را آزرده است!!

در ظاهر عبارت این روایت، تحقیر و کاستی بر علی بن الحسین دیده می‌شود، زیرا به تحقیر و کاستی نسبت به جد او علی بن ابی طالب اشاره‌ای دارد که آن حضرت با وجود فاطمه زهرا علیها السلام به خواستگاری دختر ابوجهل رفت و موجب شد که پیامبر صلی الله علیه و آله کار او را آن گونه انکار نماید؟

بلکه از مشور باز هم تعجب می‌کنم که عمیق‌تر از تعجب قبل است، او حاضر است برای رعایت خاطر فرزند پسر فاطمه، جانش را بدهد، ولی برای پسر فاطمه - یعنی حسین و فرزند همان علی که این داستان بر او واقع شده است - جانش را فدا نمی‌کند، تا این که به دست والیان ستمگر کشته می‌شود (۱).

سخن دیگر؛ آن گاه که حسن، پسر امام حسن مجتبی علیه السلام از دختر مشور بن مخرمه خواستگاری کرد، مشور پس از به جا آوردن حمد و ثنای خدای سبحان چنین گفت:

هیچ نسب و خویشاوندی و دامادی در نزد من محبوب‌تر از

(۱) فتح الباری: ۱۶۸/۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۵

نسب شما و دامادی با شما نیست، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فاطمه بضعة منی، یقبضنی ما یقبضها ویسطنی ما یسطها، وإنّ الأنساب یوم القیامه تنقطع إلانسبی و سببی و صهری»

«فاطمه پاره تن من است. آنچه او را دلتنگ کند مرا دلتنگ کرده و آنچه او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است، و همه خویشاوندی‌ها در روز قیامت گسسته می‌گردد جز نسب، خویشاوندی و دامادی با من».

اینک دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد توست (چون حسن داماد عمویش امام حسین علیه السلام بود)، من اگر دخترم را به ازدواج تو در آورم او را ناراحت و دلتنگ می‌کند.

پس از سخنان مشور، حسن بن حسن از او عذرخواهی کرد و رفت (۱).

اگر مشور داستان خواستگاری از دختر ابوجهل را دیده و یا شنیده بود، به طور قطع در ماجرای خواستگاری دخترش آن را به عنوان شاهد بیان می‌کرد و حدیث را به طور کامل روایت می‌کرد؛ زیرا

(۱) مسند احمد: ۵/۴۲۳ شماره ۱۸۴۲۸، المستدرک: ۳/۱۷۲ شماره ۴۷۴۷، السنن الکبری: ۷/۱۰۲ شماره‌های ۱۳۳۹۵ و ۱۳۳۹۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۹۶

بین قضیه خواستگاری حضرت علی علیه السلام از دختر ابوجهل - با این که فاطمه علیها السلام همسرش بود - و خواستگاری حسن پسر امام حسن علیه السلام از دختر مشور - که دختر عمویش همسرش بود - مناسبت بسیاری وجود داشت. این‌ها اشکالاتی است که علمای حدیث اهل سنت در حلّ معقول آن‌ها در حیرت هستند.

نگرشی به عبارت‌های متن حدیث ... ص: ۹۶

اکنون عبارت‌های گوناگون حدیث را مورد بررسی قرار می‌دهیم و این بحث را با چند پرسش ادامه می‌دهیم:

۱- آیا به راستی امیر مؤمنان علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری کرد؟

توجه کنید! در حدیث لیث که از طریق ابن ابی مُلیکه از مسور نقل شده چنین آمده است:

مسور می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفت:

«خانواده مغیره از من اجازه خواستند تا علی، دختر آنها را به ازدواج خود در آورد...»

در بیشتر روایات زُهری - و برخی روایات دیگر - از طریق امام زین العابدین علیه السلام از مسور چنین نقل شده است: «علی بن

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری/ساختگی، ص: ۹۷

ابی طالب از ... خواستگاری کرد...»

در روایت عبدالله بن زبیر آمده است: «علی، در مورد دختر ابوجهل سخن می گفت...»

این ها فقط اختلاف در تعبیر نیست بلکه بر این اساس تعارضاتی در دلالت به وجود می آید.

۲- آیا وعده ازدواج به علی علیه السلام داده شده بود؟

متن صریح برخی از روایات زُهری چنین است: «به او وعده ازدواج داده شد».

ظاهر روایات دیگر - و سایر روایات های زُهری نیز - همین است که در آنها آمده است: «فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد پیامبر صلی

الله علیه و آله آمد و گفت: این علی ازدواج کرده است»، یا «او ازدواج کرده است».

با توجه به ظهور این عبارات در تحقّق امر ازدواج، بایستی خواستگاری انجام شده و قرار ازدواج نیز گذاشته شده باشد.

ولی در روایت ابی حنظله آمده است: «خانواده دختر ابوجهل به علی گفتند: ما دخترمان را بر سر دختر رسول خدا صلی الله علیه

و آله به ازدواج تو در نمی آوریم».

بنا بر این روایت، کجا قرار ازدواج گذاشته شده بود؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری/ساختگی، ص: ۹۸

۳- آیا در این مورد از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواستند؟

در روایت لیث از مسور تصریح شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و آن حضرت به صراحت می فرماید که آنها از

وی اجازه خواستند، ولی حضرتش اجازه نداد.

ولی در متن صریح روایت زُهری چنین آمده است: مسور از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که حضرتش شهادتین گفت، سپس

فرمود:

«اما بعد، ابوالعاص بن ربیع را به دامادی گرفتم، او به هنگام گفت و گو با من، راست می گفت...»

یا نظیر همین عبارات که در آنها تعریض ها و کنایه هایی به علی علیه السلام است و هیچ اشاره ای به مشورت، یا اجازه خواهی از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود ندارد.

روایت ایوب از ابن زبیر نیز همین گونه است. در آن روایت اشاره ای به اجازه خواهی آنها نشده است، در عین حال کنایه و

تعریضی هم وجود ندارد، در آن روایت چنین آمده است: «این موضوع به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و او فرمود: فاطمه، پاره

تن من است...»

۴- چه کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست؟

همان گونه که معلوم شد در روایات زُهری به طور مطلق هیچ مطلبی درباره اجازه خواستن از پیامبر صلی الله علیه و آله وجود ندارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری/ساختگی، ص: ۹۹

صرف نظر از این روایات، بسیاری از روایات دیگر تصریح دارند که خانواده دختر ابوجهل برای اجازه گرفتن نزد پیامبر صلی الله

علیه و آله آمدند.

در برخی از روایات اشاره شده است که حضرت علی علیه السلام خودش از پیامبر صلی الله علیه وآله اجازه خواست و به آن حضرت عرض کرد: آیا مرا به انجام این کار اجازه می‌دهی؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «نه، فاطمه پاره‌ای از گوشت من است...» علی گفت: پس کاری نمی‌کنم که او ناراحت شود.

۵- به راستی چه کسی این خبر را به پیامبر صلی الله علیه وآله رسانید؟ در روایت ایوب از ابن زبیر آمده است: «این خبر به پیامبر صلی الله علیه وآله رسید...» در حدیث لیث از ابن ابی مُلیکه از میسور آمده است: «خانواده دختر برای اجازه گرفتن نزد پیامبر صلی الله علیه وآله می‌آیند و این خبر را به آن حضرت می‌رسانند.»

و در روایت سوید بن غفله آمده است: «خود حضرت علی علیه السلام زمانی که برای اجازه گرفتن نزد پیامبر صلی الله علیه وآله می‌رود، آن بزرگوار را از این ماجرا آگاه می‌سازد.»

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۰
ولی بنا به روایت زُهری، شخص گزارشگر، حضرت فاطمه سلام الله علیها است، هنگامی که او این خبر را می‌شنود، از خانه بیرون می‌آید و نزد پیامبر صلی الله علیه وآله می‌رود و به گونه‌ای ناشایست (!!)) حضرتش را مورد خطاب قرار می‌دهد. زُهری می‌گوید: «علی از دختر ابوجهل خواستگاری کرد، وقتی فاطمه این خبر را شنید نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله رفت و گفت:

مردم می‌گویند که تو نسبت به دخترانت بی تفاوت هستی و به خاطر آن‌ها ناراحت و خشمگین نمی‌شوی. اکنون علی، با دختر ابوجهل ازدواج کرده است (!!)) پس رسول خدا صلی الله علیه وآله برخاست و...»
عجیب‌تر این که روایت دیگر زُهری حاکی از شیوع این خبر در میان مردم است (!!)) او می‌گوید:
«عده‌ای گفتند: گمان می‌کنید رسول خدا صلی الله علیه وآله از این امر عصبانی می‌شود؟ عده‌ای دیگر گفتند... و گروه دیگری گفتند...»

البته در بررسی متن حدیث پرسش‌های دیگری نیز قابل طرح است، ولی ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم.
بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که عبارات حدیث با هم بسیار متناقض هستند، و بر این اساس شارحان حدیث نیز دچار حیرت شده و سخنان مضطرب و آشفته‌ای بیان کرده‌اند، و هر چه به نیرنگ و تقلب سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۱
دست زده‌اند، موفق نشده‌اند تناقض و اختلاف این عبارات را از بین ببرند.

بررسی مدلول حدیث ... ص: ۱۰۱

پس از بحث در عبارات متن حدیث- با فرض ثبوت اصل قضیه- لازم است این حدیث از دیدگاه فقهی، مسائل اخلاقی و عاطفی به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

اکنون در این بررسی چند پرسش مطرح است:

به راستی علی علیه السلام چه کرده بود؟

فاطمه زهرا سلام الله علیها چه کار کرده بود؟

واکنش پیامبر صلی الله علیه وآله در این ماجرا چه بود؟

بنا بر آنچه روایت کرده‌اند، علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری کرده بود. فاطمه سلام الله علیها آزرده خاطر شد و پیامبر صلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت و مطالبی را فرمود.

طبق این روایت، این پرسش مطرح می‌شود:

آیا ازدواج کردن علی علیه السلام با وجود فاطمه زهرا علیها السلام بر او حرام بود، یا حرام نبود؟ بنا بر فرض نخست، اگر این ازدواج حرام بود، آیا امام علیه السلام از آن آگاهی داشت یا آگاهی نداشت؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۲

شکی نیست که علی علیه السلام با آگاهی از حرمت این کار، به چنین کار حرامی دست نمی‌زد. بنا بر این یا این کار حرام نبوده، یا او از حرمت آن آگاه نبوده است.

اگر فرض دوم یعنی عدم آگاهی از حرمت آن را- نعوذ بالله- بپذیریم، می‌گوییم که جایز نیست جهل به حکم شرعی به دیگر مردمان نسبت داده شود، تا چه رسد به علی علیه السلام که باب مدینه علم نبوی صلی الله علیه وآله بود.

از این رو، زمانی که علی علیه السلام- با فرض ثبوت قضیه- به این کار اقدام کرد، کار خلاف شرعی را انجام نداده است، چرا که برای او نیز همانند مسلمانان دیگر ازدواج با چهار زن جایز بود، و اگر نسبت به شخص او حکمی سوی دیگر مردان مسلمان صادر شده بود، به طور قطع حضرتش از آن آگاهی داشت.

بنا بر این، آیا جایز بود که حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها به مجرد شنیدن این خبر از خانه بیرون شده و نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله بیاید تا از همسرش شکایت کند و پدرش را با آن سخنان نیش‌دار مورد خطاب قرار دهد؟! چرا که علی علیه السلام کار حرامی انجام نداده بود که فاطمه علیها السلام بخواهد او را نهی از منکر نماید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۳

آیا به راستی مقام و شخصیت فاطمه علیها السلام نیز همانند زنان دیگر است و غیرت و حسادت که زنان دارند، او نیز داشت؟ و آیا غیرت او در ازدواج علی علیه السلام به این جهت بود که آن زن، دختر ابوجهل بود؟!

از طرفی، آیا عکس العمل پیامبر صلی الله علیه وآله و بر فراز منبر رفتن و خواندن خطبه هنگامی بود که حضرتش فاطمه علیها السلام را پریشان و ناراحت دید، و یا- به روایت دیگر- بعد از این که خاندان ابوجهل از او اجازه خواستند تا دخترشان را عروس کنند؟!

به راستی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در خطبه خود چه فرمود؟

خطبه‌ای که به آن حضرت نسبت داده‌اند، حاوی مطالب زیر است:

۱- ستایش و مدیحه سرایی برای دامادش که از طایفه بنی عبد شمس بود!

۲- ترس از این که فاطمه علیها السلام در دینش گرفتار فتنه شود.

۳- او حلالی را حرام و حرامی را حلال نمی‌کند؛ ولی اجازه این کار را هم نمی‌دهد.

۴- قطعاً دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله و دختر دشمن خدا با هم جمع نمی‌شوند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۴

در یکی از عبارات‌ها چنین آمده است که آن حضرت فرمود:

«کسی حق ندارد بر سر دختر رسول خدا با دختر دشمن خدا ازدواج کند».

در عبارت دیگری آمده است که فرمود: «او این حق را ندارد که میان ... جمع کند»....

۵- این ازدواج در صورتی انجام شدنی است که پسر ابوطالب بخواهد دختر پیامبر صلی الله علیه وآله را طلاق دهد آن‌گاه با دختر

آن‌ها ازدواج کند.

در عبارت دیگری آمده: «اگر می‌خواهی با او ازدواج کنی، دختر ما را به ما باز گردان (!!)).»

آیا این قضایا باور کردنی است؟

شارحان حدیث- که می‌گویند: علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری کرد و این کار بر او حرام نبود اما غیرت زنانگی تمام وجود فاطمه علیها السلام را- همانند دیگر زنان- فرا گرفت- در توجیه سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله و روایاتی که در مورد این داستان نقل شده است گرفتار حیرت و سرگردانی شده‌اند.

بدین ترتیب- با فرض صحت این روایت- علی علیه السلام به عمومیت جواز در این مسئله عمل کرده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۵

از طرفی، فاطمه زهرا علیها السلام کسی نیست که در دینش گرفتار فتنه شود، یا اموری که زنان دیگر به آن دچار می‌شوند، او را نیز فرا گیرد؛ او کسی است که آیه تطهیر در شأن و مقام او نازل شده است و به جهت عصمت و کمالاتش سرور زنان عالم شده است و بر فرض که چنین بوده باشد- بنا بر آنچه که این روایات می‌گویند- دختر ابوجهل در این قضیه هیچ خصوصیت و ویژگی ندارد. از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در خطبه‌اش اذعان می‌فرماید که علی علیه السلام کار حرامی انجام نداده است، ولی او به علی علیه السلام این اجازه را نمی‌دهد.

به راستی آیا اجازه دادن پیامبر صلی الله علیه وآله- که پدرزن علی علیه السلام است- در صحت ازدواج او شرط است؟

اگر فردی بخواهد با وجود همسر اولش با زن دیگری ازدواج کند، آیا جایز است که پدرزنش او را به طلاق همسر اولش وادار سازد؟

به طور قطع همه این امور نه جایز است و نه واقع شدنی.

بر فرض این که بپذیریم فاطمه سلام الله علیها را غیرت زنانگی فرا گرفته باشد «۱» و بپذیریم که غیرت پیامبر صلی الله علیه وآله به واسطه

(۱) که بر همین اساس، ابن ماجه این روایت را در سنن: ۴۱۲/۳ و ۴۱۳ شماره‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ در باب غیرت آورده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۶

دخترش، برانگیخته شده باشد «۱»، چرا پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت و این قضیه را علنی و آشکار بیان فرمود؟ ابن حجر در پاسخ این پرسش می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه وآله برای مردم خطبه خواند تا این حکم میان مردم شایع شده و به آن عمل کنند، خواه بر سبیل و جوب، یا بر سبیل اولویت «۲».

عینی نیز از او پیروی کرده و همین مطلب را گفته است «۳».

بدیهی است که منظور از حکم، در عبارت ابن حجر، حکم «جمع کردن میان دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا» است.

البته عبارات‌های حدیث در این حکم، مختلف است:

- در عبارتی چنین است: «جمع نمی‌شوند».

- در عبارت دیگری آمده است: «کسی حق ندارد»....

- در عبارت سومی آمده است: «او این حق را ندارد»....

(۱)

که بر همین اساس، بخاری در صحیحش بابی را تحت این عنوان آورده: «باب ذب الرجل عن ابنته فی الغیره والانصاف» و در آن مطلبی جز این حدیث نمی‌آورد. صحیح بخاری: ۵/۲۰۰۴ شماره ۴۹۳۲.

(۲) فتح الباری: ۱۰۸/۷.

(۳) عمده القاری: ۲۳۰/۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۷

از این رو، سخنان علما نیز در این حکم متفاوت و مختلف شده است.

نوی در این زمینه می‌گوید:

«علما گفته‌اند: این حدیث بیانگر حرمت آزار پیامبر صلی الله علیه وآله در زمان حیاتش است، به هر صورت و حالتی که باشد، اگر چه این آزار و اذیت ناشی از کاری باشد که اصل آن مباح است. البته این حکم، به خلاف دیگر احکام است.

آن‌ها گفته‌اند که پیامبر صلی الله علیه وآله مباح بودن ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل را با این سخن بیان کرد که فرمود: «من حلالی را حرام نمی‌کنم»، ولی به دو علت - که به آن‌ها تصریح شده - از جمع میان آن دو نهی فرمود.

نخست آن که، این امر منجر به آزار و اذیت فاطمه می‌شود که در این صورت، پیامبر صلی الله علیه وآله اذیت می‌شود و هر کس پیامبر صلی الله علیه وآله را بیازارد، هلاک می‌شود؛ و حضرتش به واسطه کمال دلسوزی که بر علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها داشت، این کار را نهی کرد.

دوم ترس از فتنه‌ای بود که - نعوذ بالله - به دلیل غیرت زنانه، در دین فاطمه سلام الله علیها پدید می‌آید.

گفته شده است: مقصود از گفته پیامبر صلی الله علیه وآله، نهی از جمع

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۸

آن دو مورد نبوده است، بلکه منظور حضرتش این بود که من به فضل خدا، می‌دانم که آن دو با هم جمع نمی‌شوند. همان طور که انس بن نضر گفته است: به خدا سوگند! دندان ربیع شکسته نمی‌شود.

همچنین احتمال دارد که منظور، حرام بودن جمع میان آن دو نفر باشد. بنا بر این، معنای این سخن پیامبر صلی الله علیه وآله که

فرمود: «من حلالی را حرام نمی‌کنم» این است که من سخنی نمی‌گویم که با حکم خدا مخالف باشد. پس اگر خداوند چیزی را

حلال کند، من آن را حرام نمی‌کنم و هر گاه آن را حرام کند، من آن را حلال نمی‌کنم و از تحریم آن هم ساکت نمی‌مانم؛ زیرا

سکوت من، موجب حلال شدن آن می‌شود و از جمله محرمات در ازدواج، جمع میان دختر دشمن خدا و دختر پیامبر خداست «۱».

عینی نیز همین مطلب را بیان کرده و می‌گوید: «پیامبر به دو علت - که به آن تصریح شده - از جمع میان دختر ابوجهل و دختر خودش فاطمه نهی کرد» «... ۲».

نگارنده می‌گوید: سخن ما این است:

- عبارت: «جمع نمی‌شوند» تصریح به حرمت ندارد بلکه از این رو

(۱) المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج: ۳/۱۶.

(۲) عمده القاری: ۳۴/۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۰۹

گفته شده است که: «مقصود از آن عبارت، نهی از آن دو مورد نبوده، بلکه منظور حضرتش این بوده است که من به فضل خدا

می‌دانم که آن دو با هم جمع نمی‌شوند».

- عبارت: «کسی حق ندارد» ظاهرش حکم به حرمت برای تمام مسلمانان است که به واسطه عمومیت ادله جواز، حکمی مخصّص می‌باشد، ولی هیچ کس به این امر فتوا نداده است.

بلکه سیره عمر بن خطاب نیز آن را تکذیب می‌کند؛ زیرا آن گونه که خود اهل سنت روایت می‌کنند، او دختر امیر مؤمنان علی علیه السلام را خواستگاری کرد، در حالی که چند تن از دختران دشمنان خدا همسر او بودند. این نکته بر کسی که به شرح حال او مراجعه کند، مخفی نمی‌ماند.

- عبارت: «او این حق را ندارد» به اختصاص این حکم، درباره علی علیه السلام تصریح دارد. ولی آیا این نهی، تنزیهی است یا تحریمی؟!

اگر نهی تحریمی باشد، ناگزیر باید به عدم آگاهی علی علیه السلام از آن، اعتراف کنیم؛ ولی بنا به آنچه که از گفتار نَووی و دیگران استفاده می‌شود، نهی تنزیهی است، و دیگر این که آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به دو علت مذکور، از جمع میان آنها نهی کرده است.

اما علت دومی که بیان کرده‌اند (غیرت زنانه) در مورد بسیاری از

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۰

زنان مؤمن قابل تصوّر نیست تا چه رسد به حضرت زهرا سلام الله علیها که طاهره و معصومه است.

نَووی علت نخست را رد می‌کند و می‌گوید: قرار گرفتن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر فراز منبر و ستایش کردن از داماد دیگر- ابوالعاص بن ربیع- و سپس بیان این عبارت که: «مگر این که پسر ابوطالب بخواهد دخترم را طلاق بدهد»، ... با شفقت و دلسوزی آن حضرت، نسبت به علی و فاطمه منافات دارد.

به نظر می‌رسد آنچه بیان کردیم، همان توجیه اقوال دیگری است که در این زمینه مطرح شده است.

ابن حجر در شرح صحیح بخاری در توضیح سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ که فرمود: «مگر این که علی بن ابی طالب بخواهد دخترم را طلاق بدهد» می‌نویسد:

این سخن محمول بر این است که برخی از دشمنان علی نزد پیامبر سخن چینی کرده باشند، که علی در این کار مصمم است، و گرنه گمان نمی‌رود که علی پس از این که با پیامبر مشورت کرد و حضرتش او را منع کرد، باز هم بر خواستگاری پافشاری کند.

از طرفی، سیاق کلام سوید بن غفله بیانگر این است که گفتگوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و علی علیه السلام پیش از آگاهی فاطمه از آن، واقع شده

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۱

بود. گویا زمانی که این مطلب به گوش فاطمه رسیده و او به پیامبر شکایت کرده است، پس از آن بوده است که علی علیه السلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را آگاه کرده بود، و ایشان علی علیه السلام را از خواستگاری نهی کرده، و او را بر این کارش سرزنش کرده بود.

در روایت زُهری این عبارت افزوده شده است که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

«من حلالی را حرام و حرامی را حلال نمی‌کنم؛ ولی - به خدا سوگند! - هیچ گاه دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا نزد مردی جمع نمی‌شوند».

در روایت مُسلم آمده است: «هیچ گاه در یک مکان جمع نمی‌شوند».

در روایت شعبی نیز آمده است: «هرگز نزد یک مرد جمع نمی‌شوند».

ابن التین در این مورد می‌گوید:

صحیح‌ترین چیزی که می‌توان این داستان را بر آن حمل کرد، این است که پیامبر صلی الله علیه وآله، بر علی حرام کرد که دختر او و دختر ابوجهل را با هم به همسری بگیرد. زیرا پیامبر دلیل آورد که این کار، او را می‌آزارد، و آزار پیامبر به اتفاق مسلمانان حرام است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۲

و این که حضرتش فرمود: «من حلالی را حرام و حرامی را حلال نمی‌کنم» به این معنا است که دختر ابوجهل بر تو حلال است، اگر فاطمه در نزد تو نبود؛ ولی جمع کردن میان آن دو که به اذیت فاطمه بینجامد، مستلزم آزار و اذیت پیامبر صلی الله علیه وآله است، و جایز نیست.

برخی دیگر از علما این گونه پنداشته‌اند:

سیاق کلام، اشعار دارد که این امر برای علی مباح بوده، ولی پیامبر صلی الله علیه وآله او را به جهت رعایت خاطر فاطمه منع کرد و او نیز به جهت فرمانبرداری از امر پیامبر، پذیرفت.

ابن حجر پس از نقل سخنان علما می‌نویسد:

به نظر می‌رسد که بعید نیست این امر از خصایص پیامبر صلی الله علیه وآله شمرده شود که دامادهای او با وجود دخترانش، نباید ازدواج کنند. و احتمال دارد این حکم اختصاص به فاطمه داشته باشد (۱).

ملاحظه می‌فرمایید که در این مدارک، اضطراب و آشفتگی سخنان اینان آشکار است و تکلفی که در هر یک از این وجوه به کار رفته است بر کسی پوشیده نیست. و اگر بخواهیم تناقضات دیگر آن‌ها را بیان کنیم، این بحث به درازا خواهد انجامید.

(۱) فتح الباری: ۴۱۰/۹ و ۴۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۳

از نکات نادر و کم نظیر این است که بخاری این سخن پیامبر صلی الله علیه وآله را به منزله طلاق خلعی قرار داده است. از این رو، این حدیث را در بخش «الشقاق» کتاب طلاق آورده است (!!)) ولی علمای بزرگ دیگر این معنا را نپذیرفته و در توجیه آن، حیران و سرگردان مانده‌اند.

عینی نظرات مختلف را بررسی می‌کند و می‌گوید که ابن التین در این مورد گفته است: «این حدیث بیانگر عنوانی که به آن داده شده، نیست».

مقصود او این است که میان محتوای حدیث و عنوان آن- یعنی قرار دادن این حدیث در این باب- تطابقی وجود ندارد.

عینی می‌گوید که از مهلب نقل شده است: بخاری این سخن پیامبر صلی الله علیه وآله را که فرمود: «من اجازه نمی‌دهم» به عنوان خلع در نظر گرفته، و در این نظریه افکار را فریب داده است.

این مطلب کاملاً بی‌پایه است. زیرا در همین روایت پیامبر صلی الله علیه وآله گفته است: «مگر این که پسر ابوطالب بخواهد دخترم را طلاق بدهد»؛ این سخن بیانگر طلاق است، و استدلال بخاری به آن بر اراده خلع ضعیف است.

او ادامه می‌دهد: از طرفی، در بیان وجه مطابقت حدیث با عنوان،

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۴

گفته شده است:

می‌توان تصوّر کرد که پیامبر از این گفته‌اش: «و من اجازه نمی‌دهم» اشاره به این داشته باشد که علی رضی الله عنه این خواستگاری

را رها کند. پس اگر جواز اشاره به عدم نکاح جایز باشد، جواز اشاره به قطع نکاح نیز به آن ملحق می‌شود.

در این زمینه بهترین وجوه را کرمانی گفته است. آن‌جا که می‌گوید:

این که بُخاری این حدیث را در باب «الشقاق» آورده، به جهت آن است که فاطمه رضی الله عنها به این امر راضی نمی‌شد و انتظار می‌رفت که میان او و علی جدایی پدید آید. از این رو پیامبر صلی الله علیه وآله خواست تا از وقوع آن، جلوگیری کند.

در نهایت می‌گوید که برخی گفته‌اند: ممکن است وجه مطابقت در ادامه حدیث باشد. یعنی در عبارات: «مگر این که علی بخواهد دخترم را طلاق بدهد». بدین ترتیب این حدیث از باب اشاره به طلاق خلعی است ... البتّه این سخن جای تأمل دارد «۱».

قسطلانی در این مورد می‌گوید:

در وجه مطابقت حدیث و عنوان آن، اشکالی پیش آمده است. در

(۱) عمده القاری: ۲۰/۲۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۵

کتاب الکواکب به آن پاسخ خوبی داده شده که فاطمه به این امر راضی نمی‌شد و انتظار می‌رفت که میان او و علی دشمنی و کدورتی پدید آید.

از این رو پیامبر صلی الله علیه وآله خواست تا با ممانعت علی از این کار، به طریق ایما و اشاره، از وقوع این دشمنی جلوگیری کند. البتّه آن‌چه غیر از این در این مورد گفته شده، تکلف است و بی‌دلیل «۱».

در عین حال آیا مطالبی که کرمانی در الکواکب گفته و عینی و قسطلانی آن را پذیرفته و تحسین کرده‌اند، خالی از تکلف و یاوه‌گویی است؟!

آن کلام بر دو احتمال استوار است:

نخست آن که فاطمه زهرا سلام الله علیها به این امر راضی نمی‌شد.

دوم آن که این امر منجر به دشمنی و جدایی میان آن‌ها می‌شد.

پرسش این است که آیا ممانعت پیامبر صلی الله علیه وآله از خواستگاری، برای جلوگیری از وقوع این دشمنی و جدایی، به طریق ایما و اشاره بود؟ یا این که با ایراد خطبه علنی، عیب‌جویی و تحقیر و تهدید علی علیه السلام همراه بود؟

(۱) ارشاد الساری: ۱۲/۴۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۶

نتیجه بررسی‌ها ... ص: ۱۱۶

نتیجه بررسی‌هایی را که در مورد متن این روایت انجام شده است، در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱- گفتار مشهور که: «و من بالغ بودم» موجب شک و تردید در اصل شنیدن این حدیث از پیامبر صلی الله علیه وآله است، و همچنین نبود مناسبت معقول بین درخواست او در مورد شمشیر پیامبر صلی الله علیه وآله از امام زین العابدین علیه السلام و حکایت آن داستان، چون پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «فاطمه پاره تن من است».

۲- اختلاف متون روایت، و معانی آن‌ها به گونه‌ای است که شارحان این روایت نتوانسته‌اند وجه معقولی برای جمع میان این عبارات بیان کنند. و هنگامی که در یک داستان چنین حالتی وجود داشته باشد، ناگزیر در صحت اصل حدیث شک و تردید پدید

می آید.

۳- مدلول حدیث، متناسب با شأن امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها نیست. فراتر این که با شأن پیامبر صلی الله علیه وآله صاحب شریعت والا نیز، سازگاری ندارد. حتی اگر امیر مؤمنان علی علیه السلام کاری را که جایز نبود، انجام می داد، چنین رفتاری با شؤون پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تناسب نداشت، چرا که در سیره و روش آن حضرت آمده است:

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۷

- وقتی سخنی از کسی به حضرتش می رسید، نمی فرمود: فلانی را چه شده که چنین می گوید؟ بلکه می فرمود: این مردم را چه شده است که چنین و چنان می گویند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به ندرت با کسی به شیوه‌ای رفتار می کرد که آزرده شود.

- آن حضرت در سخنی فرمود:

«من رأی عورة فسترها کان کمن أحمیا مؤودة» (۱)

«هر کس عیب و بدی از دیگری ببیند و آن را بپوشاند، بسان کسی است که دختر زنده به گور شده‌ای را از مرگ نجات داده است.»

البته ابن حجر متوجه این نکته شده است، آنجا که می گوید:

پیامبر صلی الله علیه وآله به ندرت با کسی رو به رو می شد و به گونه‌ای عمل می کرد که موجب هتک حرمت او شود.

آن گاه برای توجیه آنچه به رسول خدا صلی الله علیه وآله نسبت داده شده است می گوید: شاید پیامبر صلی الله علیه وآله عتاب با علی را به خاطر

(۱) این احادیث مورد اتفاق همه هستند و همه نویسندگان صحاح ششگانه، این روایات را در بخش «الادب» و بخش های دیگر نقل کرده‌اند. به عنوان نمونه نگاه کنید به سنن ابی داوود: ۳/ ۲۷۸ شماره‌های ۴۸۹۱ و ۴۸۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۸

رضایت بیشتر فاطمه، به صورت علنی و آشکار مطرح کرد (۱).

ولی همان گونه که ملاحظه می شود این توجیه و عذرخواهی به دلایلی چند مورد پذیرش نیست:

الف- علی علیه السلام کار ناشایستی انجام نداده بود.

ب- آنچه که از پیامبر صلی الله علیه وآله صادر شد، بالاتر از عتاب و سرزنش بود.

ج- تلاش برای رضایت فاطمه سلام الله علیها هنگامی پسندیده است که مستلزم هتک حرمت مؤمنی نشود، تا چه رسد به هتک حرمت امیر مؤمنان علی علیه السلام؛ اگر علی علیه السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه وآله عزیزتر از فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود، منزلتش از وی کمتر هم نبود.

۴- همان گونه که احکام شریعت اسلامی، سنت نبوی و آداب محمدی صلی الله علیه وآله این روایت را تکذیب می کنند، همان طور اخبار صحیح دیگری که وارد شده نیز آن را تکذیب می کنند، آنجا که آمده است:

خداوند، خود امیر مؤمنان علی علیه السلام را برای ازدواج با فاطمه سلام الله علیها برگزید؛ و این که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بزرگان

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۱۹

اصحاب را- که به خواستگاری زهرا سلام الله علیها آمده بودند- رد کرد «۱».

پرواضح است که خداوند برای همسری زهرای مرضیه سلام الله علیها کسی را انتخاب می کند که وی را به کوچک ترین چیزی نیازارد.

۵- همچنین سیره و روش امیر مؤمنان علی علیه السلام و حالات او با برادرش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله از دوران کودکی تا واپسین لحظات زندگی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله این روایت را تکذیب می کند. چرا که در تمام این دوران، عملی از وی دیده نشد که مخالف با خواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، یا رفتاری از او سرزند که پیامبر آن را دوست نداشته باشد.

دو نکته قابل توجه ... ص: ۱۱۹

در این بخش از پژوهش، توجه به دو نکته لازم و ضروری است:

نکته یکم

به راستی فاطمه زهرا سلام الله علیها پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله بود و پیامبر صلی الله علیه و آله همواره می فرمود:

(۱) ر. ک: مجمع الزوائد: ۹/ ۳۲۹ و ۳۳۰ شماره‌های ۱۵۲۰۷ و ۱۵۲۰۸، و کنز العمال: ۱۳/ ۲۹۴ و ۲۹۵ شماره‌های ۳۷۷۵۲-۳۷۷۵۴، و ذخایر العقبی: ۶۹-۷۲، والریاض النضره: ۳/ ۱۴۲-۱۴۶، والصواعق: ۱۴۱ و ۱۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۰

«فاطمه بضعة منی ...»

«فاطمه پاره تن من است».

حضرتش این سخن را بارها تکرار کرده بود و این تکرار فقط به جهت تأکید بر این بود که: آزار و اذیت فاطمه سلام الله علیها حرام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این حدیث را با عبارت های گوناگون و معانی نزدیک به هم بیان فرموده است:

خشم و غضب فاطمه سلام الله علیها خشم و غضب پیامبر صلی الله علیه و آله است و خشم او، خشم و غضب خداست.

البته این حدیث را چند تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند. یکی از آنها، شخص امیر مؤمنان علی علیه السلام است؛ ابن حجر می گوید:

علی بن الحسین از پدرش از علی روایت می کند که می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود:

«إنَّ اللهَ تعالى يرضى لرضاك ويغضب لغضبك» «۱»

«به راستی خدای تعالی به رضایت تو، راضی می شود و به خشم تو خشم می گیرد».

(۱) تهذیب التهذیب: ۱۲/ ۳۹۲، الإصابه: ۸/ ۲۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۱

ابن حجر در ادامه می گوید: ابن ابی صارم از عبدالله بن عمرو بن سالم مفلوج با سندی از طریق اهل بیت، از علی نقل می کند و می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لَغَضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» (۱)

«خداوند به خشم تو خشمگین می‌شود و به رضایت تو راضی می‌گردد».

بدیهی است که ما در این جا در صدد بیان تفصیلی راویان این حدیث و سندهای آن از طریق اصحاب، و بیان این گفتار پیامبر صلی الله علیه وآله در مناسبت‌های مختلف و متعدّد نمی‌باشیم، چرا که این امری آشکار است و نیازی به شرح و بسط کلام ندارد. از طرفی، صحّت و کثرت این روایت به گونه‌ای است که مسلمانان از زمان صحابه، برخی احکام فقهی را بر مبنای این روایات مترتب می‌کردند و حتّی احکامی را که مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود، برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز در نظر می‌گرفتند، و این امر آشکار و معلوم است.

از این رو، حافظ سهیلی این گونه حکم کرده است:

هر کس به فاطمه سلام الله علیها ناسزا بگوید کافر است. هر کس بر او

(۱) الإصابه: ۸/ ۲۶۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۲

درود فرستد، در واقع بر پدرش، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درود فرستاده است.

حافظ بیهقی نیز چنین حکمی داده است، و شارحان صحیح بخاری و مُسلم نیز به دلالت این حدیث، بر حرمت آزار و اذیت زهرای مرضیه علیها السلام قائل شده‌اند (۱).

زرقانی مالکی در این زمینه می‌گوید:

فاطمه بر کسی که به وی ناسزا بگوید خشم می‌کند، و خشم او با خشم پیامبر صلی الله علیه وآله برابر است. و هر کس پیامبر صلی الله علیه وآله را خشمگین کند، کفر ورزیده است (۲).

مناوی نیز در این رابطه می‌گوید:

سهیلی به این حدیث استدلال کرده است که هر کس به فاطمه ناسزا گوید، کافر شده است؛ زیرا که پیامبر صلی الله علیه وآله را به خشم آورده است. از طرفی، فاطمه از شیخین برتر است.

شریف سمهودی می‌گوید: روشن است که فرزندان فاطمه پاره

(۱) رجوع شود به فتح الباری: ۷/ ۱۳۲ و ۹/ ۴۱۱، ارشاد الساری: ۸/ ۲۴۵ و ۱۱/ ۵۱۷، عمده القاری: ۱۶/ ۲۴۹ و ۲۰/ ۲۱۲، المنهاج:

۱۶/ ۳ و منابع دیگر...

(۲) شرح المواهب اللدنیه: ۳/ ۲۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۳

تن او هستند و به واسطه او، پاره تن پیامبر می‌شوند (۱).

البته پیش از این‌ها ابو لبابه انصاری به امر رسول خدا صلی الله علیه وآله فاطمه را در جایگاه و منزلت آن حضرت قرار داد.

حافظ سهیلی می‌گوید: ابو لبابه، رفاعه بن منذر برای پذیرش توبه‌اش، خود را [به ستونی] بسته بود. هنگامی که توبه او پذیرفته شد و در این مورد آیه‌ای نازل شد، فاطمه خواست تا او را آزاد کند.

ابو لبابه گفت: من سوگند یاد کرده‌ام که فقط رسول خدا صلی الله علیه وآله مرا [از ستون] باز کند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي»

«به راستی فاطمه پاره تن من است».

درود خدا بر او و بر فاطمه باد. از این رو، این حدیث بیانگر این است که هر کس به او دشنام دهد، در واقع کافر است و هر کس بر او درود بفرستد، در واقع بر پدرش درود فرستاده است.

البته هدف ما در این جا بیان این حدیث و دلالت آن نیست، بلکه منظور ما بیان این نکته است که این حدیث، در بخش فضایل فاطمه سلام الله علیها در

(۱) فیض القدر: ۴/ ۵۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۴

صحیح بخاری و مسلم و منابع روایی دیگر از طریق مشور بن مخرمه - بی آن که سخنی از داستان خواستگاری علی علیه السلام از دختر ابوجهل باشد - نقل شده است.

ابن حجر می گوید: در صحیح بخاری و مسلم از مشور بن مخرمه نقل شده که می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که بر فراز منبر می فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا، وَيُرِينِي مَا رَابِهَا» (۱)

«فاطمه پاره تن من است، آنچه او را بیازارد، مرا آزرده است و هر چه او را پریشان کند، مرا پریشان کرده است».

بخاری و مسلم این روایت را از سفیان بن عیینه از عمرو بن دینار از ابن ابی ملیکه از مشور بن مخرمه روایت کرده اند.

فرا تر این که بیهقی و خطیب تبریزی این روایت را فقط به همین شکل روایت کرده اند «۲». در الجامع الصغیر نیز همین گونه آمده است که نه در متن و نه در شرح آن، به داستان خواستگاری اشاره ای

(۱) الإصابه: ۸/ ۲۶۵.

(۲) السنن الکبری: ۱۰۲۷ شماره ۱۳۳۹۵ و ۱۰/ ۳۴۰ شماره ۲۰۸۶۲، مشکاة المصابیح: ۳/ ۳۶۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۲۵

نشده است «۱».

قابل ملاحظه این که در این سلسله سند، این حدیث، نه یک راوی از خاندان زبیر و نه زهری، شعبی، لیث و مانند این ها وجود ندارد (!!).

ما اگر چه مشور و ابن ابی ملیکه را مورد طعن و قدح قرار دادیم، ولی به این حدیث - مانند احادیث دیگر - احتجاج و استدلال می کنیم، چرا که:

«الفضل ما شهدت به الأعداء»

«فضل و برتری همان است که دشمنان به آن گواهی دهند».

ولی ظن قوی، این است که آن ها داستان خواستگاری را به جهت غرض ورزی و بیماری که در دلشان بوده است جعل کرده اند و آن را به مشور و روایات او ملحق کرده اند. به طوری که ابن تیمیه، مجدّد آثار خوارج و احیاگر اباطیل و موضوعات آنان، می گوید:

این حدیث با این متن، روایت نشده است بلکه با متن دیگری روایت شده است، همان طور که در حدیث خواستگاری علی از دختر ابوجهل بیان شده، که پیامبر صلی الله علیه وآله برخاست و خطبه ای خواند و گفت: خانواده هشام بن مغیره...

این حدیث را بخاری و مسلم در صحیحین به روایت علی بن

(۱) فیض القدير: ۴/ ۵۵۴.

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، خواستگاری‌ساختگی، ص: ۱۲۶

الحسین و مشور بن مخرمه روایت کرده‌اند. پس علت ایراد این حدیث، خواستگاری علی از دختر ابوجهل است «۱».

ولی حقیقت بر اهل آن پوشیده نمی‌ماند، و توفیق از خدای سبحان است.

نکته دوم

همان گونه که در مقدمه بحث اشاره کردیم که تنها بودن حدیث- هر حدیثی که باشد- در کتاب بخاری و مسلم و کتاب‌های دیگری که به صحیح معروف هستند، ما را ملزم به پذیرش صحت آن‌ها نمی‌کند و از بررسی سند آن‌ها، ما را بی‌نیاز نمی‌سازد. بنا بر این، صرف نقل احادیث در کتاب‌های آنان، نباید انسان پژوهشگر را فریب دهد. از طرفی، حکم به بطلان حدیثی که در این کتاب‌ها آمده، نباید او را بیمناک سازد...

این موضوعی است که محققان اهل سنت به آن آگاهی داده‌اند و عده‌ای از علمای حدیث و نویسندگان معاصر در مورد آن بحث کرده‌اند... ما نیز در این موضوع، بحث‌های مفصل و قانع‌کننده‌ای داریم که- به حمد الله- چاپ و منتشر شده است «۲».

(۱) منهاج السنه: ۴/ ۲۵۰ و ۲۵۱.

(۲) نگاه کنید به: کتاب‌های استخراج المرام، جلد دوم، نفعات الازهار، جلد ششم و التحقيق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف.

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، خواستگاری‌ساختگی، ص: ۱۲۹

بخش پایانی ... ص: ۱۲۹

جمل حدیثی دیگر ... ص: ۱۲۹

اشاره

آری، آنان حدیث خواستگاری از دختر ابوجهل را جعل کردند ولی گویا این امر آنان را ارضا نکرده است، از این رو حدیث دیگری نیز جعل کردند که در آن آمده است:

امیر مؤمنان علی علیه السلام از اسماء بنت عمیس خواستگاری کرد...!

ولی ضعف و بی‌ارزشی این حدیث ساختگی به طور کامل روشن است تا آن‌جا که نویسندگان صحاح... آن را روایت نکرده‌اند، بلکه محققان آن‌ها بر ابطال و سقوط آن تصریح کرده‌اند.

ابن حجر می‌گوید که اسماء بنت عمیس گفته است: علی بن ابی طالب از من خواستگاری کرد. این مطلب به گوش فاطمه رسید، او به نزد پیامبر صلی الله علیه وآله رفت و گفت: علی، اسماء را به ازدواج خود

سلسله پژوهش‌های اعتقادی، خواستگاری‌ساختگی، ص: ۱۳۰

در آورده است (!!).

پیامبر صلی الله علیه وآله به او گفت: «اسماء، حق ندارد که خدا و پیامبرش را بیازارد» «۱».

همیشگی در این مورد می‌گوید: این روایت را طبرانی در معجم کبیر و معجم اوسط نقل کرده و در سند آن‌ها کسی هست که من

نمی‌شناسم (۲)».

بدیهی است که ما درباره این حدیث بحث نمی‌کنیم، بلکه فقط اشاره می‌نماییم به این که جعل کننده حدیث گفته است: «فاطمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: علی، اسماء را به ازدواج خود در آورده است» و نگفته است: «فاطمه گفت: این علی با دختر ابوجهل ازدواج کرده است».

همچنین از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که به فاطمه فرمود: «اسماء، حق ندارد که خدا و رسولش را بیازارد» و نقل نکرده است که پیامبر بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و گفت: «علی، حق ندارد...».

(۱) المطالب العالیه: ۴/ ۶۷ شماره ۳۹۷۹.

(۲) مجمع الزوائد: ۹/ ۳۲۸ شماره ۱۵۲۰۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۱

سخن پایانی ... ص: ۱۳۱

به یاری خدای تعالی تمام طرق نقل این حدیث را ارائه کردیم.

راوی‌ها، سندها، متن‌ها و مدلول آن‌ها را به دقت و ژرف‌نگری مورد بررسی قرار دادیم، و در نتیجه، آن را حدیثی ساختگی از جانب خاندان زبیر یافتیم، چرا که راویان آن عبارتند از:

- عبدالله بن زبیر.

- عروّه بن زبیر.

- مشور بن مخرمه، که از یاران و یاوران عبدالله و همراهان او بود که در کعبه کشته شد. او از خوارج بود و...

- عبدالله بن ابی مُلیکه، که قاضی ابن زبیر و اذان‌گوی ویژه او بود.

- زُهری، که در کنار عروّه بن زبیر می‌نشست و از امیر مؤمنان علی علیه السلام بدگویی می‌کردند و دشنام می‌دادند!...

- شعیب بن راشد، که راوی حدیث زُهری بود.

- ابویمان، که راوی شعیب بود.

اینان، سران جعل کنندگان این روایت دروغین هستند... البته آن‌ها را جداگانه شناختیم و دیدیم که همگی بر شیوه پیشوایشان

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۲

عبدالله بن زبیر هستند؛ همان فردی که به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مشهور است.

به قضایای او در جنگ جمل و موارد دیگر بنگرید. او بنی هاشم را در مکه در شعب ابوطالب محاصره کرد که یا با او بیعت کنند، یا آماده مرگ شوند.

از کارهای دیگر او تبعید محمد بن حنفیه از مکه و مدینه، و تبعید ابن عباس به طائف است و... و دشمنی او با شخص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن کوتاه و معروف خود فرمود:

«ما زال الزبیر رجلاً منّا أهل البيت، حتّی نشأ ابنه المشؤوم عبدالله» (۱)

«زبیر همواره از ما اهل بیت بود، تا این که پسر ناخجسته او عبدالله، بزرگ و جوان شد».

سخن آخر این که: اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در موضوعی خطبه‌ای عمومی ایراد کرده است تا حکم جدیدی را به یارانش

برساند،

(۱) نهج البلاغه (صبحی صالح): ۵۵۵، الإستیعاب: ۳/ ۴۰ با اندکی تفاوت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۳

پس چرا این خطبه را جز دو کودک که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، فرد دیگری از حضرتش روایت نکرده است؟

کودکی به نام مسور که هنوز هفت سالش را تمام نکرده بود و ابن زبیر که هنوز سنش از ده سالگی نگذشته بود.

از این رو، بر حامیان غیور قرآن و سنت است که سنت شریف نبوی را از این افتراها و دروغ‌های زشت پاک نمایند. از خداوند

سبحان خواستاریم که مخلصان را برای علم و عمل توفیق دهد و کردار ما را خالص برای وجه کریم خود قرار دهد که او نیکوکار و

مهربان است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۵

کتاب نامه ... ص: ۱۳۵

حرف «الف»

۱. إحياء علوم الدين: ابو حامد غزالی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۲. الإستیعاب: ابن عبدالبر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أسد الغابه: ابن الاثیر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان.

۴. الإصابه: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۵. إرشاد الساری: احمد بن محمد بن ابو بکر قسطلانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

حرف «ب»

۶. البدایه والنهایه: ابن کثیر، دار احیاء، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۸.

حرف «ت»

۷. تاریخ الاسلام: ذهبی، دار الکتب العربی، بیروت، سال ۱۴۰۸.

۸. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۶

۹. تحف العقول: ابن شعبه الحرانی، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ایران، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۶.

۱۰. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

حرف «ح»

۱۱. حلیه الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

حرف «خ»

۱۲. خصائص أمير المؤمنين علی علیه السلام: عبدالرحمان احمد بن شعيب نسایی، دار الثقلین، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

حرف «ذ»

۱۳. ذخائر العقبی: محب الدین طبری، مکتبه الصحابه، جدّه، الشرقیه، مکتبه التابعین، قاهره، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

حرف «ر»

۱۴. ریاض النضره: محب الدین الطبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان.
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۷
حرف «س»
۱۵. سنن ابن ماجه: ابن ماجه القزوينی وبهامشه مصباح الزجاجة للبوصیری، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.
۱۶. سنن ابی داود: ابی داود، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.
۱۷. سنن ترمذی: محمد بن عیسی ترمذی، دار الفکر، بیروت.
۱۸. السنن الکبری: بیهقی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.
۱۹. سنن النسائی: نسائی، با شرح سیوطی و حاشیه سندی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۴.
۲۰. سیر اعلام النبلاء: الذهبی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ نهم، سال ۱۴۱۳.
حرف «ش»
۲۱. شرح المواهب اللدنیه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.
۲۲. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۸
حرف «ص»
۲۳. صحیح مسلم: مسلم النیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.
۲۴. الصحیح من السنن المصطفی: ابی داود سجستانی، دار الکتب العربی، بیروت.
۲۵. الصواعق المحرقة: ابن حجر هیتمی مکی، مکتبه القاهره، قاهره، مصر.
حرف «ط»
۲۶. الطبقات الکبری: ابن سعد، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.
حرف «ع»
۲۷. عمده القاری: بدر الدین العینی، دار الفکر، بیروت، لبنان.
حرف «ف»
۲۸. فتح الباری فی شرح البخاری: ابن حجر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.
۲۹. فضائل الصحابه: احمد بن حنبل، جامعه ام القری، مرکز البحث
سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۳۹
العلم واحیاء التراث الاسلامی، مکه السعودیه، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.
۳۰. فیض القدر: مناوی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.
حرف «ک»
۳۱. الکامل: عبدالله بن عدی، دار الفکر، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.
۳۲. الکاشف: ذهبی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.
۳۳. کنز العمال: متقی هندی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.
۳۴. الکواکب الدراری: الکرمانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۱.
حرف «ل»

۳۵. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

حرف «م»

۳۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۴۰

۳۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۳۸. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل، دار إحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۳۹. مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۴۰. المصنّف: ابن ابی شیبّه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۴۱. المطالب العالیه: ابن حجر عسقلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۴۲. المعجم الأوسط: طبرانی، دار الحرمین، سال ۱۴۱۵.

۴۳. المنهاج فی شرح صحیح مُسلم بن حجاج: یوسف بن عبدالرحمان مزی.

۴۴. میزان الاعتدال: ذهبی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

حرف «و»

۴۵. الوافی بالوفیات: صفدی، دار احیاء، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۰.

۴۶. وفیات الاعیان: ابن خَلِّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.

. سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۴۱

tehpOrP yloH eht fi taht si drow lanif ehT ".. gnuoy tog halludB.nos suoicipsuani

sihlitnu.ylimaF citehpOrP eht.su gnoma syawla saw ryabuZ ".dias

luficreM dnatneloveneB si eH esuaceb fles sih rof tsuj erup snoitca ruo ekamot dna ti htiw.

ecnadrocca ni gnivaheb dna egdelwonk gniriuqcarof erecnis eht ot sseccus tnarg

ot.deifiroIG eht.doG ksa eW.seil dna seinmulac enecsbo hcusmorf yawa noitidart

citehpOrP yloh eht peek ot noitidart dnana'ruQ eht fo sretroppus evarb eht fo ytud eht si

ti.eroferehT.net dehcaer ton dah ohw ryabuZnbI dna neves woleb saw ohw.rawsuM

dellac.yob gnuoy A ?ega lagel eht woleb era ohw syob gnuoy owt tub snoinapmoc sih fo

yna yb detarran neeb ton sah nomres siht yhw os.dnammoc wen a tuoba snoinapmocsih

(mrofni ot eussi na no nomres lareneg a dereviled)ynegorp sihdna mih nopu eb ecaep

سلسله پژوهش های اعتقادی، خواستگاری ساختگی، ص: ۱۴۲

drow lanif

srotarran ehT.denoitnem erew htidah eht fo snoissimsnartfo sniahc eht lla.ythgimIA.

eht.hallA fo ecnatsissA eht yB

era htidah eht fo srotarran esuaceb.riabuZ fo ylimaF eht yb htidah detacirbaf a eb ot :

deiduts yldnuoforp dna ylluferac erew htidah eht fo stnetnoc.dnuof ti.tluser a sa

dna, stxet.secnerrefer

ryabuZ.b halludbA

ryabuZ.b tawrU

saw eH.hab` aK ni dellik saw taht halludbA fo snoinapmocdna snasitrap eht gnoma saw

ohw.hamarhkaM.b raosyiM

lufhtiaF eht fo rednammoC eht.ilA mamI erows dna detibkcabneht fo htob dna ryabuZ.b.

tawrU ediseb tas ohw.irhaZ nizzeum sih dna ryabuZ nbI yb detnioppasegduj fo eno saw

ohw.hakyaluM ibA.b halludbA ... snaijirahK eht gnoma

(mih nopu eb ecaep...)

sgnias s'irhaZ fo rotarran eht saw ohw.dihsaar.b bya` uhS.

e.i.redael rieht fo srewollof eht erew meht fo llataht raelc emaceb dna dezingocer.

yletarapes erew yeht.esruocfO.htidah eslaf siht fo s rotacirbaf fo sdaeh eht era

esehT.rotarran s'bya` uhS saw ohw.namaY ubA

meht nopu eb ecaep)yaB -la lhA fo eof a eb ot nwonk -llew si ohw eno eht.ryabuZ.b).

halludb

ynegorp sih dna mih sselb doG yam)tehpörP yloH eht htiw ytimnesih dna fi'aT ot sabbA),

nbI elixe ot dna anide Mdna acceM morfhayyifanaH.b dammahuM elixe ot si skrow rehto

sih gnomA.htaed rof ydaer teg ot ro mih htiw echnaigella raews ot elifeD bilaT ubA ni

mihsaH inaBdelcricne eH.sesac rehto dna elttaB lamaJ ni seirots sih eeS

mih nopu eb ecaep)ilA mamI.sgnias nwonk -llew dna trohs sih nI)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

